



Policy Crowdsourcing and Attracting Public Participation (A Meta- synthesis Study)

Maryam Razmand 

MSc. Student, Department of Public Administration, Faculty of Management, Economics and Accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran. E-mail: razmand.maryam@gmail.com

Mohsen Torabi * 

*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Public Administration, Faculty of Management, Economics and Accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran. E-mail: m.torabi@hormozgan.ac.ir

Tayebeh Abbasnejad 

Associate Prof., Department of Industrial management, Faculty of Management, Economics and Accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran. E-mail: abbasnejad@hormozgan.ac.ir

Abstract

Objective

In the digital age, the development of information technology has significantly enhanced the ability of organizations and governments to engage with a wide array of public perspectives. This advancement has facilitated the emergence of new participatory mechanisms—most notably, crowdsourcing. Crowdsourcing refers to the practice of obtaining ideas, labor, services, feedback, or expertise by soliciting contributions from a large group of people, typically via online platforms. Its utility lies in harnessing collective intelligence to address complex problems, design solutions, and support participatory governance. It has become particularly valuable in policy-making processes, where public involvement is increasingly regarded as essential for democratic legitimacy, innovation, and effectiveness. This study aims to provide a comprehensive understanding of the factors influencing the effectiveness of policy crowdsourcing by synthesizing previous research findings and offering a robust conceptual model.

Methods

This research is applied in nature and follows a qualitative methodology, employing the meta-synthesis approach. The method of Sandelowski and Barroso (2007) was used to

Citation: Razmand, Maryam; Torabi, Mohsen & Abbasnejad, Tayebeh (2025). Policy Crowdsourcing and Attracting Public Participation (A Meta- synthesis Study). *Journal of Public Administration*, 17(3), 767-804. (in Persian)



systematically integrate findings from a diverse set of studies. A total of 854 international scientific publications (1969–2023) and 118 domestic studies (1381–1402 in the Persian calendar) formed the initial research population. These sources were retrieved using advanced search strategies and Boolean operators across multiple academic databases, including Google Scholar, Emerald, ResearchGate, Sci-Hub, ScienceDirect, Wiley, Springer, JSTOR, Sagepub, SID, IranDoc, Noormags, Magiran, and Civilica. After removing duplicates and screening for relevance based on titles, abstracts, and full content, 75 high-quality sources were selected for detailed review. The data extraction and coding process followed rigorous standards of qualitative analysis to ensure validity and reliability.

Results

The meta-synthesis resulted in the identification of eleven thematic dimensions influencing crowdsourcing and public participation in policy-making:

1. **Policy-making strategies** – encompassing eight concepts, including citizen engagement, task features, participation processes, mechanisms, implementer roles, and perceived outcomes.
2. **Political factors** – such as political will, openness, and contextual conditions affecting citizen involvement.
3. **Social factors** – including motivation, social capital, demographics, and interpersonal communication patterns.
4. **Economic factors** – addressing economic pressures, livelihoods, and macroeconomic trends.
5. **Cultural factors** – such as public values, beliefs, education and awareness levels, and cultural cohesion.
6. **Legal factors** – encompassing the legal framework, citizen rights awareness, governance structures, and public security.
7. **Managerial factors** – related to implementer competencies, leadership behavior, partnerships, innovation, and administrative capacity.
8. **Individual factors** – including motivation, experience, knowledge, and attitudes of participants.
9. **Technology** – covering digital infrastructure, equitable access, usability, modernization, and e-governance readiness.
10. **Technical factors** – such as data integrity, support mechanisms, and system configuration.
11. **Environmental factors** – including geographical and external systemic influences.

Conclusion

The results of this research offer a synthesized framework for understanding the diverse variables that influence crowdsourcing in public policymaking. These insights can guide policymakers, public administrators, and platform designers in creating more effective, inclusive, and technologically integrated participatory systems.

Keywords: Crowdsourcing, Meta synthesis, Policy crowdsourcing, Public participation.



جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه (یک مطالعه فراترکیب)

مریم رازمند

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. رایانامه: razmand.maryam@gmail.com

محسن ترابی*

* نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. رایانامه: m.torabi@hormozgan.ac.ir

طیبه عباس‌نژاد

دانشیار، گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. رایانامه: abbasnejad@hormozgan.ac.ir

چکیده

هدف: امروزه فناوری اطلاعات، امکان استفاده از نظرات افراد مختلف را با دیدگاه‌های متنوع فراهم آورده است و یکی از مواهب آن، پیدایش روش‌های آسان بهره‌گیری از نظرات عموم است که جمع‌سپاری نامیده می‌شود. جمع‌سپاری به سرعت در حال تکامل است و در موقعیت‌هایی که به ایده‌ها، نیروی کار، نظر یا تخصص گروه‌های بزرگی از مردم نیاز باشد، استفاده می‌شود؛ از این رو هر جا که بهره‌گیری از مشارکت اجتماعی، به تسهیل در شناسایی و حل مسائل منجر شود، جمع‌سپاری ابزاری کارآمد تلقی می‌شود. پژوهش پیش رو جمع‌سپاری را به عنوان فرایندی جدید برای درگیر کردن مردم در سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری به بحث گذاشته و به شناسایی عوامل مؤثر بر آن و جلب مشارکت عامه پرداخته است.

روش: این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد کیفی (شیوه فراترکیب) محسوب می‌شود. بدین منظور از مراحل فراترکیب سندلوسکی و بارسو (۲۰۰۷) استفاده شده است. اسناد علمی خارجی یافت شده در بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۲۰۲۳، به تعداد ۸۵۴ و اسناد علمی داخلی یافت شده در بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۲ به تعداد ۱۱۸، جامعه پژوهش حاضر را شکل می‌دهند که در پایگاه‌های اطلاعاتی گوگل اسکولار، امرالد، ریسرچ گیت، اس‌سی‌آی‌هاب، ساینس دیرکت، ویلی، اسپرینگر، جی‌استور، سیج‌پاب و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، ایرانداک، نورمگز، مگ‌ایران و سیویلیکا با کلیدواژه‌های مختلف و راهبردهای متنوع جست‌وجو و بررسی شدند. در نخستین گام از جست‌وجو ۹۷۲ منبع علمی در منابع یاد شده به دست آمد که بر اساس غربالگری، در نهایت، ۷۵ سند علمی پس از واکاوی عناوین، چکیده و محتوا، گزینش و مطالعه شد.

استناد: رازمند، مریم؛ ترابی، محسن و عباس‌نژاد، طیبه (۱۴۰۴). جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه (یک مطالعه فراترکیب). مدیریت دولتی، ۱۷(۳)، ۷۶۷-۸۰۴.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، عوامل مؤثر بر جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه در یازده بعد بدین شرح دسته‌بندی شدند: استراتژی‌های خط‌مشی‌گذاری مشتمل بر ۸ مفهوم (ارزش نهادن به شهروندان، ویژگی‌های وظیفه، موضوع مشارکت، سازوکارهای مشارکت، درگیر کردن شهروندان، فرایندهای مشارکت، نقش مجریان، نتایج مشارکت)، عوامل سیاسی مشتمل بر ۳ مفهوم (اراده برای مشارکت، شرایط و وضعیت سیاسی حاکم، میزان باز بودن فضای سیاسی)، عوامل اجتماعی مشتمل بر ۴ مفهوم (موارد انگیزشی، سرمایه اجتماعی، متغیرهای جمعیت‌شناختی، ارتباطات و تعاملات)، عوامل اقتصادی مشتمل بر ۳ مفهوم (چالش‌های اقتصادی، وضعیت معیشتی، روند و تغییرات اقتصادی)، عوامل فرهنگی مشتمل بر ۴ مفهوم (ارزش‌ها و باورها، اطلاع‌رسانی و آگاهی و آموزش، فرهنگ ملی، نوع فرهنگ، هماهنگی و پیوستگی)، عوامل حقوقی و قانونی مشتمل بر ۴ مفهوم (نوع حکومت، آشنایی شهروندان با حقوق قانونی، محیط قانونی، حفظ امنیت)، عوامل مدیریتی مشتمل بر ۶ مفهوم (تخصص و مهارت مجریان، شراکت راهبردی، خلاقیت و نوآوری، عوامل رفتاری مجریان، حوزه اجرایی، جبران خدمات شهروندان)، عوامل فردی مشتمل بر ۳ مفهوم (انگیزه افراد، دانش و توانایی و تجربه شهروندان، نگرش)، فناوری و تکنولوژی مشتمل بر ۶ مفهوم (ابزارهای آنلاین، عدالت در توزیع امکان‌های فناورانه، استفاده از فناوری‌ها و میزان تأثیرگذاری آن‌ها، زیرساخت و ساختار و محیط‌های کاربری، سطح فناوری داخلی و میزان رشد و بروز بودن آن، قابلیت استفاده از تجارت الکترونیک و حاکمیت الکترونیک)، عوامل فنی مشتمل بر ۳ مفهوم (کیفیت داده‌ها، خدمات پشتیبانی، ساختاری) و عوامل محیطی مشتمل بر ۲ مفهوم (جغرافیای طبیعی، محیط خارجی) شناسایی شد.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که موفقیت در فرایند جمع‌سپاری، وابسته به تعامل پیچیده و چندجانبه‌ای بین تمامی عوامل شناسایی شده است که به‌صورت تنگاتنگ با یکدیگر مرتبط هستند. در نتیجه، به‌منظور ایجاد بستری مناسب برای مشارکت شهروندان، توجه هم‌زمان به تمامی عوامل حائز اهمیت است.

کلیدواژه‌ها: جمع‌سپاری، جمع‌سپاری خط‌مشی، فراترکیب، مشارکت عامه.

مقدمه

اداره امور عمومی نیازمند تدوین خطمشی‌ها در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و دیگر عرصه‌ها است. به عبارت دیگر، زندگی انسان معاصر به‌طور گسترده‌ای با خطمشی‌های عمومی در ارتباط است و هر لحظه از زندگی او تحت تأثیر این سیاست‌ها قرار دارد. از آنجا که نظام خطمشی‌گذاری در هر کشور به‌عنوان عاملی مؤثر در تحقق سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شناخته می‌شود، تدوین و اجرای خطمشی‌های کارآمد و مناسب، به‌عنوان پایه‌ای برای توسعه همه‌جانبه کشور، گامی مؤثر در راستای پیشرفت کشور خواهد بود (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۵). مشارکت مردم نیز در سرنوشت خویش و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی به‌مثابه یک نیاز فطری، پدیده‌ای است که در همه جوامع پذیرفته شده است و روزه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود (شیانی، ۱۳۸۴). در تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور نیز، این پدیده همواره به‌عنوان عاملی که بالاترین میزان مقبولیت را برای حکومت‌ها فراهم می‌آورد، یکی از مهم‌ترین ارزش‌های مورد توجه در حکمرانی بوده است. از طرفی دیگر، افزایش پیچیدگی و ابعاد مشکلات و نیازها به‌ویژه در دوران اخیر، موجب شده دولت‌ها نیاز به مشارکت عامه، بهره‌مندی از اندیشه آن‌ها و افزایش نوآوری را بیش از پیش احساس کنند (چارالابیدیس، تریانتافیلو، کارکالتسیس و لوکیس^۱، ۲۰۱۲: ۱۵۶). مشارکت مشورتی در حوزه اداره امور عمومی و سیاست، به طیف گسترده‌ای از فرایندها گفته می‌شود که در آن اعضای جامعه به ارتباط با خطمشی‌گذاران و گفت‌وگوی سازنده، تعیین‌کننده و آگاهانه با آن‌ها در خصوص موضوعات مهم عمومی دعوت می‌شوند. اگر فرایندهای مشارکت مشورتی شهروندی به درستی درک و اجرا شوند، به‌طور مؤثری به حل مشکلات پیچیده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با رفع محدودیت‌های رأی‌گیری کمک می‌کند (ناباتچی و آملسر^۲، ۲۰۱۴).

این در حالی است که شتاب تغییرات و ناتوانی دولت‌ها در مداخله مؤثر و به‌موقع، در برخی موارد، به شکل‌گیری بحران‌های جدی در سطح جهانی و منطقه‌ای منجر شده است. در این شرایط، سازوکارهای قدیمی مانند کنترل، قانون‌گذاری، سلسله‌مراتب و همچنین فرایندهای تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و نظارت با تغییرات گسترده‌ای روبه‌رو شده‌اند. این موضوع نیاز به بهره‌گیری از سازوکارهای نوین، هوشمند و کارآمد را در سطوح جهانی، ملی و منطقه‌ای بیش از پیش آشکار می‌سازد (اسکnel^۳، ۲۰۲۰). به همین دلیل، سیاست‌گذاران به دنبال کشف و طراحی راه‌های جدید و برخط برای جلب مشارکت عمومی و رفع کاستی‌های راه‌های قدیمی هستند (برابهام^۴، ۲۰۱۲: ۲). استفاده روزافزون از رسانه‌های اجتماعی، آن‌ها را به ابزارهای ارزشمندی تبدیل کرده است که ارائه پاسخ و پشتیبانی تصمیم در تدوین سیاست‌های عمومی را میسر کرده است. این امر منجر به ظهور پارادایم‌های مشارکت الکترونیکی جدید، مانند رویکردهای جمع‌سپاری، با هدف ایجاد تعاملات سازنده‌تر بین دولت‌ها و شهروندان یا کارشناسان، به‌منظور بهره‌برداری از دانش، نظرها و ایده‌های آن‌ها در هنگام مقابله با مشکلات پیچیده اجتماعی شده است. جمع‌سپاری را می‌توان به‌عنوان

1. Charalabidis, Triantafyllou, Karkaletsis & Loukis

2. Nabatchi & Amsler

3. Schnell

4. Brabham

یک نوع اقدام داوطلبانه در بخش دولتی در نظر گرفت (کلارک، زینگل و لوگان^۱، ۲۰۱۷)، این اقدام داوطلبانه را می‌توان به‌طور کلی به جمع‌سپاری داوطلبانه (غیرمالی) و پولی (مالی) تقسیم کرد. جمع‌سپاری داوطلبانه به وظایفی اطلاق می‌شود که افراد به‌طور داوطلبانه و بدون دریافت پول در آن شرکت می‌کنند. می‌توان گفت فرایند خط‌مشی‌گذاری در دسته جمع‌سپاری داوطلبانه (غیرمالی) قرار می‌گیرد (آیتامورتو^۲، ۲۰۱۲). جمع‌سپاری می‌تواند به کارمندان دولت در یافتن دانش کمک کند که آن‌ها را در تهیه پیش‌نویس خط‌مشی قادر می‌سازد. از جمع‌سپاری می‌توان در بخش‌های شناسایی و تعریف مشکل، جمع‌آوری داده‌ها، توسعه گزینه‌ها و پیشنهادها، مشاوره، طراحی و پیش‌نویس خط‌مشی، تصمیم‌گیری، ارزیابی و اجرا از یک چرخه سیاست‌گذاری استفاده کرد (آیتامورتو و چن^۳، ۲۰۱۷). علاوه بر آن، شفافیتی که جمع‌سپاری ایجاد می‌کند می‌تواند اعتماد را به نهادهای سیاسی در زمانی که رکود دموکراتیک قرار دارند افزایش دهد (دایموند^۴، ۲۰۱۱). جمع‌سپاری راه‌های جدیدی برای ایجاد ارزش عمومی تعاملی و ایجاد مشارکت شهروندان با ادغام سیستماتیک بازیگران خارجی در فرایندهای دولتی و اداری ارائه می‌دهد (هیلگرس و ایهل^۵، ۲۰۱۰) و علاوه بر کمک به حل مشکلات، مزایای دیگری نیز به‌عنوان پیامد روابط جدید بین دولت و «جمعیت»، از جمله ایجاد سرمایه اجتماعی و احساس هویت بیشتر از سوی شهروندان ایجاد می‌کند (کولم و شلر^۶، ۲۰۱۲). استفاده از جمع‌سپاری برای حمایت از سیاست، دولت الکترونیک و دموکراسی الکترونیکی طی دهه گذشته به‌طور تصاعدی رشد کرده است. جمع‌سپاری برای اینکه به شهروندان اجازه دهد بر موضوعاتی که باید در دستور کار سیاسی گنجانده شود تأثیر بگذارند یا از دانش شهروندان برای یافتن راه‌حلی برای یک مشکل از پیش تعریف شده استفاده کنند مفید است. مشارکت دادن شهروندان برای رسیدگی به مسائل پیچیده می‌تواند در هزینه‌های دولت صرفه‌جویی کند و به انتخاب‌های قانونی‌تر منجر شود (سلترز و محمودی^۷، ۲۰۱۳)، همچنین سیاست‌گذاران می‌توانند ارزش‌ها و نگرش‌های شهروندان را درک کنند و از طریق جمع‌سپاری، سیاست‌گذاران می‌توانند به حرف شهروندان گوش دهند؛ بنابراین، جمع‌سپاری به‌عنوان روشی برای «شناخت شهروندی» عمل می‌کند. تحقیقات پیرامون اجرای خط‌مشی‌های عمومی به‌طور مداوم در حال گسترش است و این حوزه پژوهشی همچنان روندی رو به رشد دارد؛ زیرا جوامع انسانی به‌صورت روزافزون با چالش‌های نوظهوری در فرایند اجرا مواجه می‌شوند. با وجود چندین دهه پژوهش درباره اجرای سیاست‌های عمومی، همچنان اطلاعات محدودی در خصوص نتایج تحقیقات پیشین و همچنین برخی ابعاد کلیدی این حوزه در دسترس است (سائترن^۸، ۲۰۰۵؛ آدورسو دیجنتوه^۹، ۲۰۱۸). اندیشمندان و پژوهشگران زیادی به مفهوم مشارکت شهروندی توجه کرده‌اند و هر یک از زاویه نگاه خود این واژه را واکاوی کرده و به طراحی مدل‌های گوناگونی در این زمینه پرداخته‌اند، بدین ترتیب پراکندگی و ابهام در این حوزه بیشتر

1. Clark, Zingale & Logan

2. Aitamurto

3. Aitamurto & Chen

4. Diamond

5. Hilgers & Ihl

6. Collm & Schedler

7. Seltzer & Mahmoudi

8. Saetren

9. Adorsu-Djentuh

شده و این پرسش مطرح می‌شود که مشارکت شهروندی چیست و چگونه می‌توان آن را بهبود بخشیده و تقویت کرد (محمدزاده، پیران‌نژاد و مختاریان‌پور، ۱۴۰۰). در ایران به تازگی موضوع مشارکت مستقیم مردم در خطمشی‌گذاری مطرح شده است و در حال حاضر، مشارکت شهروندان در فرایند خطمشی‌گذاری عمومی در ایران محدود است. این وضعیت موجب شده تا ضرورت تعامل میان سیستم خطمشی‌گذاری عمومی و شهروندان، همراه با نقش‌آفرینی جامعه مدنی، به‌عنوان یک چالش جدی و نیاز بنیادین مطرح شود (رودساز، قربانی‌زاده، شادمهری و سیدموسوی، ۱۳۹۷: ۸۲) و نیازمند پژوهش بیشتر در این زمینه است. در کشورمان، به دلیل وجود عواملی از جمله: عدم بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های رسانه‌های اجتماعی، فقدان زیرساخت‌های کافی و وجود شکاف دیجیتالی در استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی، کاهش مشارکت عمومی و تضعیف نهادهای اجتماعی را شاهد بوده ایم. عامل اصلی تأثیرگذار بر میزان و کیفیت مشارکت عمومی شهروندان، شفافیت در عملکرد دولت‌ها است که اعتماد مردم به نهادهای دولتی و محلی را تقویت می‌کند. در مقابل، نبود شفافیت در عملکردهای دولتی ممکن است باعث کاهش اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی شود و این مسئله در بلندمدت می‌تواند عدم مشارکت شهروندان، اجتماعات محلی و حتی بخش خصوصی را در فعالیت‌هایی همچون ارائه خدمات عمومی و مشارکت سیاسی به‌دنبال داشته باشد (نرگسیان، هژبرافکن خلاری و معینی کربکندی، ۱۳۹۴). بررسی ادبیات موجود در زمینه خطمشی‌گذاری و مشارکت عامه، نشان می‌دهد که علی‌رغم پیشرفت‌های اخیر در استفاده از جمع‌سپاری در بخش عمومی، تنها تعداد کمی از مطالعات استفاده از آن را در چرخه سیاست بررسی کرده اند و استفاده از جمع‌سپاری در چرخه سیاست‌گذاری هنوز محدود است و تمام پتانسیل آن محقق نشده است و فقدان مطالعات در خصوص شناسایی عوامل مؤثر بر جمع‌سپاری خطمشی و جلب مشارکت عامه وجود دارد (پریچ، تائیحق و ملتون^۱، ۲۰۱۵). می‌توان اذعان کرد که اساساً موضوع جمع‌سپاری خطمشی و مشارکت عامه و مواکداً عوامل تأثیرگذار بر این فرایند به‌صورت کامل و جامع بررسی نشده است. بنابراین تحقیق حاضر با هدف شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر جمع‌سپاری خطمشی و جلب مشارکت عامه از طریق رویکرد فراترکیب انجام شده است. استفاده از رویکرد فراترکیب می‌تواند به ترکیب و تحلیل جامع‌تر و منسجم‌تری از این عوامل منتهی شود و به سیاست‌گذاران کمک کند تا با توجه به شرایط و نیازهای مختلف، از این روش‌ها به‌طور مؤثرتر استفاده کنند. این تحقیق می‌تواند به پرکردن خلأهای موجود در ادبیات علمی کمک کند و همچنین راه‌کارهایی برای بهبود فرایند جمع‌سپاری و مشارکت عمومی ارائه دهد.

پیشینه نظری پژوهش

با افزایش تدریجی وظایف دولت‌ها و حکومت‌ها و پیچیده‌تر شدن شرایط محیطی، اهمیت موضوع خطمشی‌گذاری بیش از پیش آشکار شد (قربانی‌زاده، شریف‌زاده و معتضدیان، ۱۳۹۴: ۶۸).

جنکینز^۲ (۱۹۷۸) خطمشی عمومی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مجموعه‌ای از تصمیمات مرتبط با یکدیگر که توسط یک بازیگر سیاسی یا گروهی از بازیگران در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آن‌ها در یک موقعیت مشخص گرفته

1. Prpić, Taeihagh and Melton

2. Jenkins

می‌شود، جایی که این تصمیمات، اصولاً باید در حیطه قدرت آن بازیگران برای دستیابی باشند». چنین سیاستی را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات مؤثر و قابل‌قبول برای دستیابی به اهداف صریح اجرا کرد (بریجمن و دیویس^۱، ۲۰۰۴). دولت‌ها نمی‌توانند همچون یک امدادگر غیبی از بالا و جدا از جامعه به هدایت آن بپردازند؛ زیرا دولت خود جزئی از سیستم اجتماعی است و تنها یکی از فعالان متعدد اجتماعی است که در فرایندهای خط‌مشی عمومی تأثیرگذار است (هازلهورست^۲، ۲۰۰۱: ۴).

در بسیاری از نظام‌های نمایندگی این اجماع وجود دارد که فراتر از فرصت‌های گاه‌گاهی برای رأی‌دهی، باید به شهروندان اجازه داده شود (و درواقع، تشویق شوند) تا در تصمیماتی که بر آن‌ها اثر می‌گذارد مشارکت کنند (یانیلو، ایاکوزی، فدلّه و بروساتی^۳، ۲۰۱۹). مشارکت از شروط لازم تحقق توسعه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است که به نقش فعال و خلاق و اثربخشی مردم در روند توسعه توجه دارد و درواقع فرایندی است که دربرگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری در خصوص امور عمومی است. مشارکت و انگیزش اجتماعی، بیشتر ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است (موسوی، ۱۳۸۴). در ادبیات برنامه‌ریزی یکی از اشکال مشارکت عمومی، جمع‌سپاری شناخته شده است (برابهام، ۲۰۰۹؛ سرتوما، کورسینی و ریزی^۴، ۲۰۱۵؛ سلنزر و محمودی، ۲۰۱۳) که شامل طیف وسیعی از انواع مختلف رویکردهای تعامل است. جمع‌سپاری می‌تواند به‌عنوان روشی برای اعمال اصول دموکراسی مستقیم عمل کند. در دموکراسی مستقیم، شهروندان می‌توانند «مستقیم»، بدون واسطه دموکراسی نمایندگی، بر سیاست‌گذاری تأثیر بگذارند (فیشکین^۵، ۲۰۱۱). در عوض، مفهوم دموکراسی مشورتی، بر اهمیت توافق یا اجماع عقلانی تأکید می‌کند که از طریق بحث و گفت‌وگو به‌دست‌آمده است (بست^۶، ۱۹۹۴؛ بومن و رهگ^۷، ۱۹۹۷؛ کوهن^۸، ۱۹۸۹). این اجماع باید به معقول‌ترین راه‌حل منجر شود. جمع‌سپاری در سیاست‌گذاری به‌جای ایجاد فضاهایی برای مشورت یا طراحی انگیزه در مشارکت‌کنندگان برای رسیدن به اجماع، بر گردآوری نظرها و ایده‌های مردم متمرکز است (آیتامورتو، ۲۰۱۲). داشتن صدا و توانایی مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری برای تقویت حکومت دموکراتیک و دستیابی به اهداف کلیدی توسعه ضروری است و جمع‌سپاری می‌تواند این امر را با ارائه صدایی به کسانی که قبلاً نداشتند، افزایش دهد و در نتیجه مشارکت را تقویت کند. در این صورت، ایجاد سازوکارهای حکمرانی که به‌طور رسمی یا نهادی صداها و ورودی‌های مردم را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از برخی از سیاست‌های عمومی کلیدی و فرایندهای تصمیم‌گیری در برمی‌گیرد، حیاتی است (زامبرانو و ایمن^۹، ۲۰۱۴).

1. Bridgman & Davis

2. Hazlehurst

3. Ianniello, Iacuzzi, Fedele & Brusati

4. Certoma, Corsini & Rizzi

5. Fishkin

6. Bessette

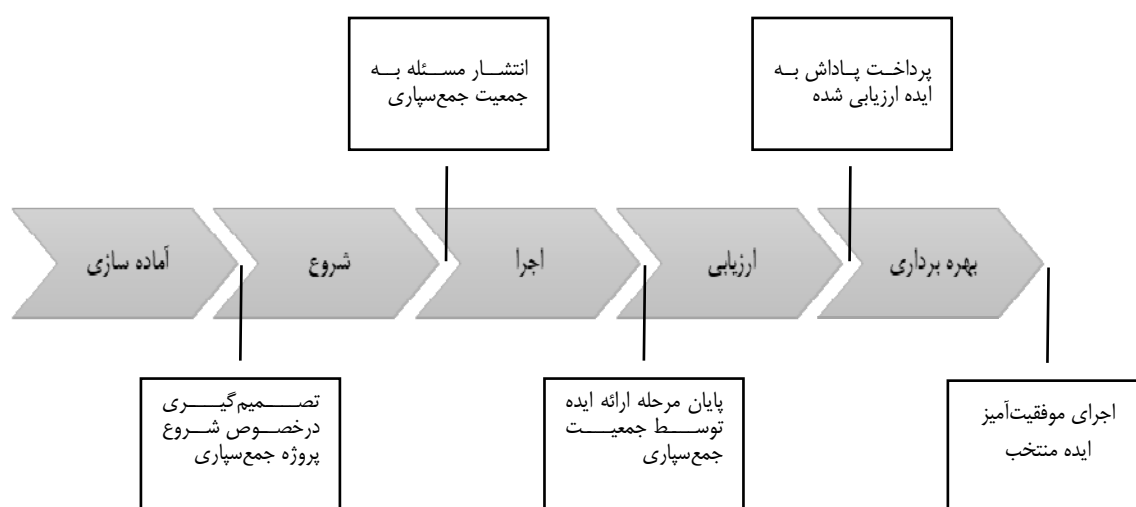
7. Bohman & Rehg

8. Cohen

9. Zambrano & Eymann

با توجه به اینکه ایده اصلی جمع‌سپاری استفاده از مهارت‌ها، ایده‌ها، دانش، قضاوت‌ها و... گروه‌های بزرگی از افراد علی‌رغم موقعیت فیزیکی آن‌هاست، وظایف جمع‌سپاری به صورت آنلاین انجام می‌شود. برای اینکه وظایف برای مشارکت‌کنندگان در دسترس باشد، به یک پلتفرم آنلاین نیاز است. ایده پلتفرم جمع‌سپاری نسبتاً ساده و مستقیم است. یک وبسایت آنلاین که در آن می‌توان کار/مشکلی را که باید حل شود منتشر کند. افرادی که مایل به کسب درآمد اضافی هستند یا علاقه‌مند به توسعه فناوری هستند و می‌خواهند دانش خود را به اشتراک بگذارند، می‌توانند ثبت‌نام کنند، مشخصات خود را وارد کنند و مهارت‌هایی را که دارند فهرست کنند. با ثبت‌نام، مشارکت‌کنندگان به وظایف منتشر شده در پلتفرم دسترسی خواهند داشت و سیاست‌گذاران نیز مروری بر مجموعه مهارت‌ها و تخصص مشارکت‌کنندگان خواهند داشت (واسیلجوا^۱، ۲۰۲۱). ازجمله ویژگی‌های جمع‌سپاری شامل وجود ارتباطات عمودی و افقی، غیررسمی بودن، غیرمتمرکز بودن و همچنین نبود انحصار در اطلاعات است (فلاح تفتی، زحمتکش سردوراهی و گورنگی، ۱۳۹۹).

درخصوص فرایند جمع‌سپاری بر اساس مطالعه‌ای که گاسمن، دایبر و موهدی^۲ (۲۰۱۰) بر روی آن داشته‌اند، پنج مرحله برای فرایند جمع‌سپاری مطرح کرده‌اند که در ادامه به شرح مختصری از آن‌ها خواهیم پرداخت:



شکل ۱. مراحل فرایند جمع‌سپاری

منبع: گاسمن و همکاران (۲۰۱۰)

۱. در مرحله آماده‌سازی، شرکت تصمیم می‌گیرد که مشکلی را از طریق جمع‌سپاری حل کند. مرحله با تصمیم برای شروع یک پروژه یا با انعقاد قرارداد برای فراهم‌سازی بستر جمع‌سپاری (پلتفرم واسطه) به پایان می‌رسد.
۲. مرحله شروع، شامل تمام فعالیت‌هایی است که قبل از پرسیدن سؤال از جمعیت ناشناخته ضروری هستند که

1. Vasiljeva

2. Gassmann, Daiber & Muhdi

- شامل توضیح در مورد محرمانه بودن اطلاعات دریافتی و همچنین فرمول‌بندی دقیق سؤالات با عبارت دقیق است. از آنجایی که پس از انتشار سؤال، به‌سختی بر چگونگی تفسیر نهایی آن می‌توان تأثیر گذاشت، این مرحله در فرایند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
۳. مرحله‌ای است که اجرای واقعی پروژه قرار صورت می‌گیرد به‌عبارت‌دیگر در این مرحله سؤال به‌صورت آنلاین منتشر شده و ایده‌ها و پیشنهادها توسط مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود.
۴. پیشنهادها دریافت شده در این مرحله، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و به مشارکت‌کنندگان ایده، برای عملکردشان پاداش داده می‌شود. پروژه واقعی جمع‌سپاری به پایان رسیده است، اما شرکت‌های درگیر هنوز راه زیادی در پیش دارند. در نادرترین موارد، نتیجه پروژه جمع‌سپاری به‌راحتی به یک ماحصل و خروجی منتقل می‌شود و در بسیاری از موارد، ایده‌های جامعه باید بیشتر توسعه یابد تا مفاهیم ملموس‌تر شوند.
۵. در این مرحله، راه‌حل‌های برگزیده جهت به‌کارگیری، عملیاتی و استفاده می‌شوند. همچنین پس از انجام پروژه، باید به این فکر شود که آیا و چگونه می‌خواهند از جامعه‌ای که از آن‌ها به‌عنوان بخشی از پروژه در بلندمدت حمایت کرده است، حفظ کرده و بهره ببرند.

پیشینه تجربی پژوهش

ابراهیمی کیاسری، الوانی و معمارزاده طهران (۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «ارزیابی ترکیبی از عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های نظام آموزشی و پرورشی ایران» به بررسی سطح روابط و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های آموزشی و پرورشی و ارائه یک دید تفسیرپذیر از نتایج به دست آمده پرداخته‌اند. در روش تحقیق این پژوهش از راهبرد چندگانه استفاده شده است. در مرحله اول از مدل‌سازی معادلات ساختاری، برای تحلیل روابط بین عوامل استفاده شده؛ سپس در مرحله بعدی با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی فازی، اولویت‌بندی عوامل انجام شد. در مرحله بعد با استفاده از یافته‌ها، در یک مدل نوآورانه دوتایی AHP-SEM چهار خوشه اقدام فوری، پژوهشی، مطلوب و نظارت خلق شد و عوامل در آن، برحسب قابلیت تبیین و وزن خوشه‌بندی شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل حمایت قانونی و عدالت، بیشترین وزن را در اولویت‌بندی دارند و نقش مهمی در افزایش مشارکت دارند. همچنین، عوامل سطح اجرا نیز با حماات قانونی همبستگی بالایی داشته و بیشترین قابلیت تبیین را در مدل‌های رگرسیونی به خود اختصاص داده‌اند. این نتایج می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا با توجه به اهمیت این عوامل، استراتژی‌های مؤثری برای افزایش مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های آموزشی طراحی کنند.

مهمان‌دوست، رضایی‌فر، محمدی و یعقوبی (۱۴۰۲)، در تحقیقی تحت عنوان «طراحی مدل اقناع عمومی در بستر حکمرانی خوب شهری» با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع نظریه‌پردازی داده‌بنیاد با رویکرد اشتراوس و کوربین و مشارکت ۱۰ خبره سازمانی دستگاه‌های اجرایی استان خراسان رضوی و ۷ خبره دانشگاهی، به طراحی مدل اقناع عمومی در بستر حکمرانی خوب شهری پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که شرایطی همانند عوامل سرمایه اجتماعی و

حکمرانی مسائل، باعث می‌شود که اقناع عمومی شکل گیرد. از طرفی این رفتار بر استراتژی‌ها یا راهبردهای حکمرانی خوب شهری تأثیر می‌گذارد.

میرباقری و جلیلی (۱۴۰۲)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «روندنگاری تحقیقات در حوزه حکمرانی مشارکتی: ترسیم نقشه هم‌زمانی و هم‌رخدادی واژگان» به مجموعه‌ای از سؤال‌های پایه‌ای مرتبط با تولیدات علمی و ارزیابی روند تحقیقات منتشر شده در حوزه حکمرانی مشارکتی، به‌عنوان یکی از حوزه‌های بسیار کاربردی و مهم در علوم مختلف، به‌ویژه علوم سیاسی و مدیریت دولتی با استفاده از تحلیل هم‌واژگانی پاسخ داده‌اند. روش استفاده شده در این پژوهش فنون علم‌سنجی بوده که به بررسی تولیدات علمی در حوزه حکمرانی مشارکتی، از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۲۳، در پایگاه وب آو ساینس، به‌عنوان پایگاه داده مرجع می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعداد انتشارات در این حوزه، طی سالیان گذشته سیر بسیار صعودی داشته که نشان‌دهنده اهمیت یافتن حکمرانی مشارکتی در بین پژوهشگران است. بررسی حوزه‌های موضوعی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تمرکز در تولید علم در حوزه حکمرانی مشارکتی، در بخش‌های علوم محیط زیست، منابع طبیعی، اکوسیستم‌ها و شرکت‌هاست. یافته‌های حاصل از تحلیل هم‌رخدادی واژگان نشان می‌دهد که مفاهیم «مدیریت»، «شبکه» و «خط‌مشی» بیشترین پیوند را با مفهوم حکمرانی مشارکتی دارند.

نصوحی، اعتباریان، هادی پیکانی و ابراهیم‌زاده (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان «طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری باز» به طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری باز پرداخته‌اند تا بتواند به‌عنوان راهنمای عمل سیاست‌گذاران مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌ها حاکی از آن است که بهره‌گیری از اصول دولت باز (شفافیت، مشارکت و همکاری) و پرداختن به داده باز و نوآوری باز، ضمن تقویت خط‌مشی‌گذاری باز که همانا بازتر کردن فرایند سیاست‌گذاری و نقش دادن به مردم در تمامی مراحل چرخه سیاست‌گذاری است، اعتماد عمومی را بازسازی کرده و بهبود عملکرد حکومت را تقویت می‌کند. این پژوهش با بهره‌گیری از روش فراترکیب تفسیری- انتقادی انجام شده است. محققان با بررسی سیستماتیک و انتقادی منابع مرتبط در زمینه خط‌مشی‌گذاری باز، ۳۷ منبع را از بین ۵۵۱ منبع یافت شده انتخاب و با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته است. در نهایت، ۲۵۰ کد استخراج و در ۲۹ تم و ۵ بُعد دسته‌بندی شده‌اند.

مقیمی، پورعزت، لطیفی و ابراهیمی (۱۴۰۰)، در تحقیقی تحت عنوان «ارائه مدلی جامع از مشارکت خبرگان و تشکل‌های مردم‌نهاد در مدیریت عملکرد بخش عمومی»، به بررسی چالش‌ها و پیش‌زمینه‌های مشارکت خبرگان و سازمان‌های مردم‌نهاد در مدیریت عملکرد سازمان‌های دولتی پرداخته است. هدف این پژوهش ارائه مدلی جامع برای شناسایی و تحلیل عواملی است که می‌توانند مشارکت این گروه‌ها را در مدیریت عملکرد بخش عمومی بهبود دهند. این مطالعه با استفاده از روش کیفی و رویکرد نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۲۱ نفر از خبرگان در حوزه مدیریت عملکرد جمع‌آوری شده و سپس با استفاده از کدگذاری سه مرحله‌ای تحلیل شده‌اند. نتایج نشان داد که عدم مشارکت خبرگان و تشکل‌های مردم‌نهاد به‌عنوان پدیده محوری معرفی می‌شود و عللی همچون فقدان زیرساخت‌های مشارکت، بی‌اعتمادی و تعارض منافع نقش مهمی در این زمینه دارند. این پژوهش

همچنین شرایط، اقتضائات و پیامدهای مرتبط با مشارکت را تحلیل کرده و راه‌کارهایی برای بهبود این وضعیت ارائه داده است.

فلاح تفتی، رحیمی و هاشم‌پور (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های موفقیت جمع‌سپاری مالی در پروژه‌های مشارکت اجتماعی» شاخص‌های مؤثر بر موفقیت جمع‌سپاری مالی را بررسی و در قالب یک مدل ساختاری اعتبارسنجی کرده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش تحقیق تحلیل عاملی اکتشافی - تأییدی انجام شده است. نتایج حاصل از آزمون مدل با جامعه آماری ۴۱۰ نفری، نشان داده است که چهار عامل اصلی، شامل اطلاع‌رسانی مؤثر، ایجاد اعتماد به مجریان، هدفمند بودن پروژه جمع‌سپاری و تشویق سرمایه‌گذاران بیشترین تأثیر را در موفقیت این پویاها دارند.

نرگسیان، هژبرافکن خلاری و معینی کربکندی (۱۳۹۴)، در تحقیقی تحت عنوان «مطالعه تأثیر رسانه‌های اجتماعی آنلاین بر شفافیت و اعتماد عمومی با اثر میانجیگری مشارکت عمومی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران)» به سنجش تأثیر رسانه‌های اجتماعی آنلاین بر شفافیت و اعتماد عمومی با در نظر گرفتن نقش میانجی‌گری مشارکت عمومی پرداخته‌اند. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری شامل دانشجویان دانشگاه تهران بوده و نمونه‌گیری به روش طبقه‌بندی انجام شده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری و با نرم‌افزار لیزرل ۸/۵۴ تحلیل شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که رسانه‌های اجتماعی آنلاین تأثیر معناداری بر مشارکت مدنی و سیاسی دارند. همچنین، مشارکت مدنی و سیاسی به‌طور معناداری بر شفافیت و اعتماد عمومی تأثیرگذار است. این نتایج بیانگر آن است که افزایش استفاده از رسانه‌های اجتماعی آنلاین می‌تواند از طریق تقویت مشارکت عمومی، به بهبود شفافیت و افزایش اعتماد عمومی منجر شود.

گوپتا و همکاران^۱ (۲۰۲۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزیابی تعاملات مردم و سیاست‌گذاران در مشارکت اجتماعی برای سلامت: فهرستی از اقدامات حکمرانی مشارکتی از یک مرور سریع سیستماتیک ادبیات» به بررسی نقش مشارکت اجتماعی در حکمرانی سیستم‌های سلامت پرداخته است. هدف اصلی این مطالعه شناسایی معیارهای کمی و کیفی است که برای ارزیابی جنبه‌های مختلف مشارکت اجتماعی بین مردم و سیاست‌گذاران استفاده می‌شود. این پژوهش با استفاده از یک مرور سریع سیستماتیک ادبیات، ۴۸ مطالعه از تمامی شش منطقه سازمان جهانی بهداشت را بررسی کرده و ۱۷۲ معیار مرتبط با مشارکت اجتماعی را شناسایی کرده است. این معیارها بر اساس پنج موضوع کلیدی که در کتابچه راهنمای مشارکت اجتماعی سازمان جهانی بهداشت آمده است، دسته‌بندی شده و به ۲۷ مفهوم مرتبط شده‌اند. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تمرکز بیشتر معیارها بر وجود مشارکت - چه توسط جمعیت عمومی یا گروه‌های آسیب‌پذیر خاص - است، تا کیفیت این مشارکت. این فهرست از معیارها می‌تواند برای وزارتخانه‌های بهداشت و سایر ذینفعان کلیدی در توسعه روش‌هایی برای ارزیابی و تشویق مشارکت اجتماعی در زمینه‌های مختلف مفید باشد.

یفی یانگ و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بهبود اثربخشی نوآوری‌های جمع‌سپاری مبتنی بر رسانه‌های اجتماعی: نقش سازوکارهای اطمینان‌بخش و رفتار نوآوران» بیان کردند که با توسعه رسانه‌های اجتماعی و فناوری اینترنت، بسیاری از شرکت‌ها شروع به استفاده از پلتفرم‌های مختلف نوآوری جمع‌سپاری برای اجرای حالت‌های تجاری نوآوری باز خود کرده‌اند. هدف از این مطالعه بررسی این موضوع بود که چگونه سازوکارهای تضمینی چنین پلتفرم‌هایی اثربخشی نوآوری‌های جمع‌سپاری را افزایش می‌دهند و چگونه سازوکارهای اطمینان را برای رسیدگی به وظایف مختلف نوآوری به کار می‌برند، در نتیجه جویندگان بیشتری را برای استفاده از نوآوری‌های جمع‌سپاری انگیزه می‌دهند. در این پژوهش، داده‌های مربوط به ۲۳۰۲ حل‌کننده و ۸۳۹۰ رکورد معاملاتی از وبسایت zbj.com با استفاده از فناوری مبتنی بر پایتون جمع‌آوری شده و فرضیه‌های مطرح‌شده با روش‌های آماری مورد آزمون قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که سازوکارهای اطمینان‌بخش تأثیر مثبتی بر رفتار حل‌کنندگان دارند که به نوبه خود منجر به بهبود رفتار نگهداشت درخواست‌کنندگان می‌شود. با این حال، پیچیدگی، نوآوری و حرفه‌ای‌بودن وظایف تأثیرات تعدیل‌کننده متفاوتی بر روابط بین سازوکارهای اطمینان‌بخش، رفتار حل‌کنندگان و رفتار درخواست‌کنندگان دارند.

امینی، ذوالفقارزاده و مطهری نژاد (۲۰۲۱)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «ارائه مدلی از جمع‌سپاری سیاست‌های فرهنگی با رویکرد آینده‌نگر» به ارائه یک مدل از سیاست‌گذاری فرهنگی با استفاده از روش جمع‌سپاری می‌پردازند. این مدل با رویکرد آینده‌نگر، به دنبال بهره‌گیری از خرد جمعی و مشارکت عمومی در فرایند تصمیم‌گیری‌های فرهنگی است. جامعه آماری شامل کلیه اسناد منتشر شده در پایگاه‌های علمی در زمینه جمع‌سپاری فرهنگی و همچنین کلیه مدیران و صاحب‌نظران حوزه مرتبط با مسائل فرهنگی در سازمان فرهنگی هنری کشور است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که استفاده از جمع‌سپاری در سیاست‌گذاری فرهنگی می‌تواند به تقویت ارتباط بین نهادهای فرهنگی و جامعه، ایجاد راه‌کارهای نوآورانه و افزایش مشارکت عمومی در فرایندهای تصمیم‌گیری کمک کند. در این مطالعه، چارچوبی برای پیاده‌سازی جمع‌سپاری در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ارائه شده است که می‌تواند به بهبود کارایی و پاسخ‌گویی نهادهای فرهنگی کمک کند و به‌طور کلی به توسعه و ارتقای سیاست‌های فرهنگی با در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و نیازهای عمومی منجر شود.

مالهوترا^۲ (۲۰۱۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان «ایجاد اعتماد برای ایجاد پذیرش جمع‌سپاری» یک مدل مفهومی برای درک انگیزه جمعیت برای انتخاب جمع‌سپاری در سطح سازمان پیشنهاد می‌کند. به بیان نویسندگان مقاله، اندازه شرکت و شهرت سازمان، به اعتماد در میان جامعه جمع‌سپاری منجر می‌شود و رابطه بین مشارکت در جمع‌سپاری و پذیرش در جامعه را تعدیل می‌کند. نتایج نشان می‌دهند که اعتماد می‌تواند بر نگرش و رفتار مشارکت‌کنندگان تأثیرگذار باشد و به افزایش میزان مشارکت و همکاری مؤثر در پروژه‌های جمع‌سپاری کمک کند.

سومیا و پیارالی^۱ (۲۰۱۳)، در تحقیقی تحت عنوان «استفاده مؤثر از جمع‌سپاری در حکمرانی الکترونیکی» به شناسایی و بررسی استراتژی‌های ارزش‌افزوده که به موفقیت جمع‌سپاری در حکمرانی الکترونیکی کمک می‌کنند پرداخته‌اند. پس از شناسایی و تحلیل عوامل حیاتی در سطوح استراتژیک و عملکردی، این عوامل را در قالب یک چارچوب نظری ارائه کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که استفاده از هوش جمعی از طریق ابزارهای وب ۲.۰ می‌تواند به‌طور مؤثر در حل مسائل واقعی دولت‌ها مؤثر باشد، اما با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز همراه است. این مطالعه با شناسایی و بررسی استراتژی‌های مؤثر، به ادبیات موجود در زمینه جمع‌سپاری در دولت الکترونیک کمک می‌کند و به‌عنوان مرجعی برای تحقیقات آینده در این حوزه عمل می‌کند.

جمع‌بندی پیشینه پژوهش

در نقد ادبیات و پیشینه پژوهش باید گفت که با وجود گسترش مباحث خط‌مشی‌گذاری عمومی و افزایش توجه به شیوه‌های نوین حکمرانی، همچنان شکاف‌های نظری و تجربی متعددی در زمینه جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه وجود دارد. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده، به توصیف کلی مفهوم جمع‌سپاری و ارتباط آن با فرایندهای سیاست‌گذاری پرداخته‌اند، اما کمتر به سازوکارهای اجرایی و موانع ساختاری، فرهنگی و اجتماعی این رویکرد پرداخته شده است. برخی مطالعات به اهمیت دموکراسی مشارکتی و نقش شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی اشاره دارند، اما الگوهای مشخصی برای عملیاتی کردن این مشارکت در چارچوب خط‌مشی‌گذاری عمومی ارائه نشده است. با وجود تحقیقات گسترده درباره تأثیر فناوری‌های دیجیتال بر جمع‌سپاری و مشارکت، همچنان چالش‌هایی در خصوص نحوه افزایش اعتماد عمومی، مشروعیت‌بخشی به فرایندهای مشارکتی و تأثیرگذاری واقعی نظرهای شهروندان بر تصمیم‌گیری‌های کلان وجود دارد. در این میان، استفاده از رویکرد فراترکیب به‌عنوان روشی نظام‌مند برای ترکیب یافته‌های مطالعات پیشین، می‌تواند به شناسایی جامع‌تر و دقیق‌تر عوامل مؤثر بر جمع‌سپاری خط‌مشی و ارائه چارچوبی یکپارچه برای سیاست‌گذاران منجر شود. همچنین مروری بر پیشینه تحقیقات مرتبط به خط‌مشی‌گذاری و جمع‌سپاری نشان می‌دهد اغلب مطالعات صورت‌گرفته در این حوزه، بیشتر بر مدلسازی جمع‌سپاری در یک حوزه محدود یا بررسی عوامل اثرگذار در یک زمینه خاص متمرکز بوده است. کمتر مطالعه‌ای به جمع‌سپاری خط‌مشی پرداخته است؛ از این رو، در این حوزه شکاف پژوهشی آشکاری به چشم می‌خورد و خلأ نظری در این حیطه وجود دارد که مطالعه پیش رو با هدف پاسخ‌گویی به آن صورت پذیرفته است. هدف از این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه است.

اهمیت جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه در دنیای امروز بسیار بالاست. با توجه به پیچیدگی مسائل اجتماعی و اقتصادی، تصمیم‌گیری‌های مؤثر، به جمع‌آوری دیدگاه‌ها و نظرهای متنوعی نیازمند است. همچنین، با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، امکان مشارکت گسترده افراد در تصمیم‌گیری‌ها به سادگی فراهم شده است.

تحقیقات نشان داده‌اند که فرایندهای جمع‌سپاری خطامشی می‌توانند به بهبود کیفیت تصمیمات، افزایش رضایت‌مندی شهروندان و تقویت اعتماد عمومی منجر شوند (شوارتز^۱، ۲۰۱۸). با توجه به منابع موردنیاز برای اجرا و سرمایه‌گذاری‌های مالی و اطلاعاتی ضروری در فرایند جمع‌سپاری، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن اهمیت ویژه‌ای دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر رویکرد کیفی (فرا ترکیب) محسوب می‌شود. می‌توان اظهار داشت که فراترکیب تحلیل و تفسیر یافته‌های مطالعات منتخب برای فهم عمیق موضوع است و مرور یکپارچه ادبیات کیفی موضوع و تجزیه و تحلیل داده ثانویه و داده اصلی از مطالعات منتخب نیست (بنچ و دی^۲، ۲۰۱۰). با توجه به اینکه روش سندلوسکی و باروسو^۳ (۲۰۰۷) از برجسته‌ترین روش‌ها برای مطالعات فراترکیب است و نتایج بهتری ارائه می‌کند (تانگ، سینزبری و کریگ^۴، ۲۰۰۷)، در این پژوهش از این روش استفاده شده است. در پژوهش حاضر، فراترکیب شرایطی فراهم کرد جهت اینکه پژوهشگران یافته‌های مطالعات کیفی انجام شده در زمینه جمع‌سپاری خطامشی و مشارکت عامه را تلفیق و بررسی کنند تا درکی عمیق و جامع در خصوص موضوع حاصل شود. به صورت خلاصه گام‌های فراترکیب عبارت است از: تنظیم سؤال تحقیق، مرور سیستماتیک ادبیات، جست‌وجو و انتخاب متون مناسب، استخراج اطلاعات متون، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی، کنترل کیفیت، ارائه یافته‌ها (سندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷).

گام اول) طرح سؤال پژوهش

برای طرح سؤال تحقیق از عوامل گوناگونی مانند، چه چیزی^۵ (عوامل تأثیرگذار بر جمع‌سپاری خطامشی و جلب مشارکت عامه کدام‌اند؟)، چه کسی^۶ (جامعه مورد نظر کدام است؟)، چه موقع^۷ (بازه زمانی جست‌وجو به چه صورت است؟)، چگونه^۸ (بررسی روش‌های گردآوری داده‌های تحقیق چگونه است؟) استفاده شده است.

گام دوم) مرور سیستماتیک ادبیات پژوهش

بدین منظور در ابتدا برای استخراج منابع واژه‌های کلیدی متنوعی، همچون جمع‌سپاری، خطامشی‌گذاری، جمع‌سپاری خطامشی، مشارکت عامه و... مطابق جدول ۱ برای جست‌وجوی مقاله‌های پژوهش مورد استفاده قرار گرفته شد.

1. Schwartz
2. Bench & day
3. Sandelowski & Barroso
4. Tong, Sainsbury & Craig
5. What
6. Who
7. When
8. How

جدول ۱. کلیدواژه‌های جست‌وجو شده

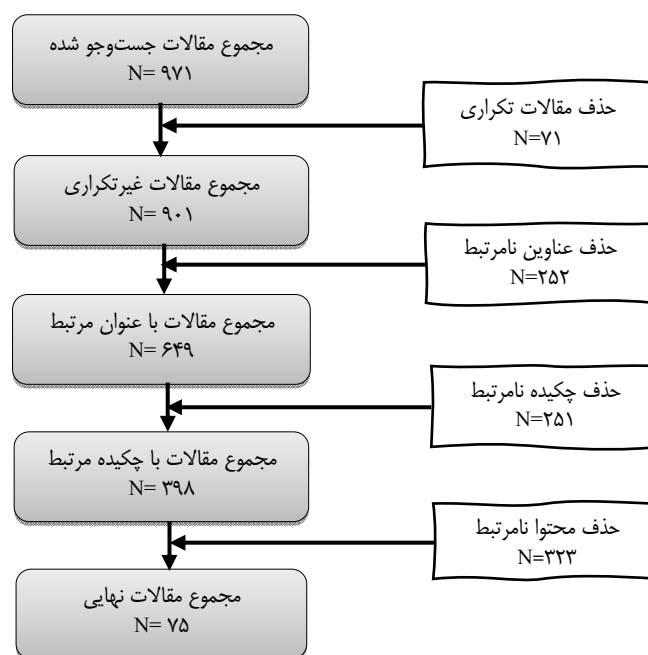
کلیدواژه‌های جست‌وجو شده و تعداد مقاله‌های استخراج شده		
تعداد مقاله‌ها	انگلیسی	فارسی
۲۹۹	Participation, Contribution, Involvement, Public involvement, Public Participation, Community participation, Social participation, Citizen participation, Community engagement, Collaborative approach	مشارکت، مشارکت عمومی، مشارکت اجتماعی، مشارکت شهروندان، رویکرد مشارکتی
۱۰۳	Collective wisdom, Wisdom of crowd	خرد جمعی
۸۷	Innovation/ open Innovation	نوآوری / نوآوری باز
۶۱	Success factors (Policy/ Participation)	عوامل موفقیت (خط‌مشی‌گذاری / مشارکت)
۵۸	Government, Open government, Collaborative government	دولت، دولت باز، دولت مشارکتی
۵۴	Outsourcing	برون‌سپاری
۴۹	Co-creation	هم‌آفرینی
۴۸	Open source	منبع باز
۴۷	Collective intelligence	هوش جمعی
۴۷	Citizen sourcing	شهروند محوری
۴۶	Attitude survey/ poll	نظرسنجی
۳۸	Crowdsourcing	جمع‌سپاری
۱۸	Policy making	خط‌مشی‌گذاری
۷	Social media	رسانه اجتماعی
۵	Technology/ ICT	فناوری
۵	Governance	حکمرانی

پس از تعیین واژه‌های کلیدی مدنظر، جست‌وجوگر گوگل اسکولار^۱ مورد جست‌وجو قرار گرفت و منابع خارجی مربوطه از طریق پایگاه‌های علمی همچون (امرالذ^۲، ریسرچ گیت^۳، اس‌سی‌آی‌هاب^۴، ساینس دیرکت^۵، ویلی^۶، اسپرینگر^۷، اسپرینگر^۷، جی‌استور^۸، سیج‌پاب^۹ و سایر موارد (و منابع داخلی از طریق پایگاه‌های علمی همچون (پایگاه اطلاعات علمی علمی جهاد دانشگاهی، ایرانداک، نورمگز، مگ‌ایران، سیویلیکا) به دست آمد. اسناد علمی خارجی یافت شده در بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۲۰۲۳ به تعداد ۸۵۴ و اسناد علمی داخلی یافت شده در بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۲ به تعداد ۱۱۸، جامعه پژوهش حاضر را شکل می‌دهند.

1. Google Scholar
2. Emerald
3. Research Gate
4. Sci-hub
5. Science direct
6. Wiley
7. Springer
8. JSTORE
9. Sagepub

گام سوم) جست‌وجو و انتخاب متون مناسب

برای انتخاب مقاله‌های مناسب براساس پارامترهای گوناگون همچون عنوان، چکیده و محتوا، مدنظر قرار گرفته است. هدف از این گام، حذف مقاله‌هایی است که به یافته‌های به دست آمده از آن‌ها اعتمادی نیست. تعداد نمونه در این بخش تعداد ۹۷۲ منبع بود که پس از طی مراحل و بر اساس پارامترهای فوق‌الذکر که در شکل ۱ نیز آمده است، این تعداد به ۷۵ منبع اصلی تقلیل یافت.



شکل ۲. تعداد مقاله‌های نهایی شده

گام چهارم) استخراج اطلاعات متون

در این مرحله، مقاله‌های انتخاب و نهایی شده توسط پژوهشگران به‌منظور نیل به یافته‌های درون‌محتوایی آن‌ها، چند مرتبه مرور شدند. پس از آنکه پژوهش‌ها به تعداد ۹۷۲ مورد، بررسی شدند، تعداد ۷۹۵ پژوهش از منابع انگلیسی زبان و تعداد ۱۰۲ مورد از پژوهش‌های فارسی زبان حذف شد. در این مرحله ۷۵ پژوهش شامل ۵۹ مورد انگلیسی زبان و ۱۶ مورد از پژوهش‌های فارسی زبان برای بررسی نهایی ادبیات انتخاب شد که اساس مرور نظام‌مند بررسی و برای انجام تحلیل‌های بیشتر وارد مرحله بعد شد.

گام پنجم) تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی

در این بخش ابتدا همه عوامل استخراج شده از گام قبل به‌عنوان کد در نظر گرفته شده و سپس با درنظر گرفتن مفهوم هر یک از کدها، آن‌ها در یک مفهوم مشابه دسته‌بندی می‌شوند. به این ترتیب مفاهیم تحقیق شکل داده شد. براساس تحلیل‌های انجام گرفته درمجموع ۴۶ مفهوم و ۲۵۶ کد به‌عنوان عوامل مؤثر بر جمع‌سپاری خط‌مشی و

جلب مشارکت عامه در این پژوهش شناسایی و مشخص شد. کدهای نهایی استخراج شده مقوله استراتژی‌های خط‌مشی‌گذاری به‌عنوان نمونه‌ای از این دسته‌بندی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نمونه‌ای از دسته‌بندی کدهای استخراج شده مربوط به مقوله استراتژی‌های خط‌مشی‌گذاری

ردیف	مفهوم	کد	منابع استخراجی کدها
۱	ارزش نهادن به شهروندان	شفافیت داده‌ها و اطلاعات	Sinclair and Diduck (2001), Un-Habitat (2006), Lee & Kwak (2011), Edelmann, Höchtl & Sachs (2012), Panopoulou, Tambouris & Tarabanis (2014), Ntalakou (2017) هاشمی، همتی و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۸)
۲		شفافیت دولت و حاکمیت	Mostert (2003), Obama (2009), Lee & Kwak (2012), Panopoulou, Tambouris & Tarabanis (2014), Doyle (2015), Wirtz, Weyerer & Rösch (2019), Royo, Bellò, Torres & Downe (2023) نصوحی، اعتباریان، پیکانی و ابراهیم‌زاده (۱۴۰۰)، بزرگی نژاد، معمارزاده و فقیهی (۱۴۰۰)
۳		شفافیت مسئله، تصمیمات و اقدامات	Johansson (2016) الوانی (۱۳۸۱)، انگزی قدس، گیوریان و دانش فرد (۱۴۰۱)
۴		شفافیت الکترونیکی و پلتفرم‌های مشارکت	Behn (2001), Wong & Welch (2004), Armstrong (2005), Bovens (2007), Cobo (2012), Aitamurto & Landemore (2015), Moon, Lee & Park (2023)
۵		شفافیت و باز بودن محیط	Liu (2017)
۶		شفافیت و وضوح نقش‌ها، وظایف و اختیارات (مردم، مجریان، احزاب و جناح‌ها)	Giacchino and Kakabadse (2003), Mostert (2003), Irvin & Stansbury (2004), Kiaei & Daneshfard (2016) قره‌داغی (۱۳۹۷)
۷	ویژگی‌های وظیفه	بزرگی وظیفه	Prpić PhD Taeiagh & Melton (2014)
۸		پیچیدگی وظیفه	McHugh et al (2016)
۹	موضوع مشارکت	آشکار بودن موضوع مشارکت	Masango (2001) الوانی (۱۳۸۱)
۱۰		پیچیدگی موضوع مشارکت	Roszczynska-Kurasinska, Rychwalska & Marta (2017), Uba Haruna, Mohd Nadzir & Awang (2021)
۱۱	سازوکارهای مشارکت	محدوده مشارکت (چه چیزی قابل بحث است و چه چیزی نه؟)	Mostert (2003)
۱۲		روش‌های مشارکت	Brynard (1996), Rosenstone & Hansen (1993), Mostert (2003), McHugh et al (2016)
۱۳		سطح مشارکت	Macintosh (2004)
۱۴		اثربخشی و کارایی مشارکت	Nam (2012), Panopoulou, Tambouris & Tarabanis (2014) بزرگی نژاد، معمارزاده و فقیهی (۱۴۰۰)
۱۵		سازوکارهای مناسب مشارکت	OECD (2001), Levi & Litwin (1986)

ردیف	مفهوم	کد	منابع استخراجی کدها
۱۶		آشکار بودن و شفافیت اهداف مشارکت	OECD (2001), Aitamurto (2012), Weinstein and Goldstein (2012), Panopoulou, Tambouris & Tarabanis (2014), Christensen (2021) الوانی (۱۳۸۱)، بابایی، حسینی و ثمودی (۱۳۹۵)، قره‌داغی (۱۳۹۷)
۱۷		پیچیدگی خط‌مشی	قره‌داغی (۱۳۹۷)
۱۸		وجود چشم‌انداز و استراتژی مشخص	Sowmya & Pyarali (2013)
۱۹	درگیر کردن شهروندان	حق مشارکت	Brynard (1996), Rosenstone & Hansen (1993)
۲۰		ضروری دانستن مشارکت توسط شهروندان	Brynard (1996), Rosenstone & Hansen (1993)
۲۱		داشتن دلیلی برای مشارکت توسط شهروندان	Brady, Verba & Schlozman (1955)
۲۲		باصرفه بودن مشارکت	Roszczynska-Kurasinska, Rychwalska & Marta (2017)
۲۳		اشتیاق و علاقه شهروندان به مشارکت	Brady, Verba & Schlozman (1955), Masango (2001), Giacchino and Kakabadse (2003), Charalabidis, Loukis & Kleinfeld (2012), Marzuki (2015), Almeida, Costa & Da Silva (2018), Stefano (2019), Rodriguez Müller (2020)
۲۴		میزان برجستگی خدمات عمومی موجود و سهولت درگیر شدن در فرایند مشارکت	Pestoff (2012), van Eijk and Steen (2016)
۲۵		تعهد به فرایند	Aitamurto (2012)
۲۶	فرایندهای مشارکت	وجود فرایندهای مشارکتی ساختاریافته	Panopoulou, Tambouris & Tarabanis (2014), Almeida, Costa & Da Silva (2018), Bobbio (2019)
۲۷		مدیریت فرایندها	Aitamurto (2012)
۲۸		تجزیه و تحلیل و نظارت بر فرایندها	Aitamurto (2012)
۲۹		توسعه فرایندهای مشارکتی	Cuthill (2002)
۳۰		مشروعیت فرایندها	Janssen & Helbig (2018)
۳۱		شفافیت فرایندها	Irvin & Stansbury (2004)
۳۲	نقش مجریان	ارائه بی‌طرفانه مسائل خط‌مشی	Global Voices (2004)
۳۳		نظرسنجی از مردم	Lee & Kim (2014)
۳۴		درگیر کردن مراجع ذی‌ربط	OECD (2001)
۳۵		اتخاذ رویکرد شهروند محوری	Sowmya & Pyarali (2013)
۳۶		استفاده از تکنیک‌های درک و حل مسائل (طوفان فکری، تجسم و بازی و ...)	Brabham (2008), Bachen, Raphael, Lynn, Baldwin-Philippi & McKee (2010), Accordino (2013), Stefano (2019)

ردیف	مفهوم	کد	منابع استخراجی کدها
۳۷	نتایج مشارکت	شفافیت نتایج	Botterman, Millard, Horlings, van Oranje, van Deelen & Pedersen (2008), Aitamurto (2012), Roszczynska-Kurasinska, Rychwalska & Marta (2017)
۳۸		تعهد به نتایج	OECD (2001), Botterman, Millard, Horlings, van Oranje, van Deelen & Pedersen (2008)
۳۹		نتایج قابل اندازه‌گیری	Johansson (2016)
۴۰		اجتناب از نتایج از پیش تعیین شده	OECD (2001)

گام ششم) کنترل کیفیت

اعتبارسنجی مطالعات کیفی فراترکیب، به دو روش انجام شدنی است. نخست با استفاده از نظر خبرگان در تأیید دستاوردهای پژوهش و دوم با ارائه نتیجه‌ای جامع از مطالعه مبانی نظری و پژوهش‌های قبلی که با استفاده از مطالعات موردی جدید اثبات می‌شود (بنچ و دی، ۲۰۱۰). در این مطالعه، برای پایش کدها و مفاهیم استخراج‌شده، از مقایسه نظر پژوهشگر با یکی از متخصصان این حوزه (استاد راهنما) استفاده شد. برای محاسبه توافق نظر، از شاخص کاپای کوهن بهره گرفته شد. این شاخص مقداری در بازه‌ای بین صفر تا یک دارد. نزدیک بودن این شاخص به عدد یک، نشان‌دهنده بیشترین توافق بین دو کدگذار است و برعکس، نزدیکی آن به صفر نشان‌دهنده عدم توافق میان آن‌هاست (رهبری، پورصادق و یزدانی، ۱۳۹۹). ضریب توافق کاپا با استفاده از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس محاسبه شد. با توجه به مقدار $0/952$ و معناداری $0/000$ ، می‌توان نتیجه گرفت که بین دو تحلیلگر توافق نظر قابل‌اتکایی روی یافته‌های پژوهش وجود دارد.

جدول ۳. محاسبه پایایی بین دوکدگذار

ارزش	خطای استاندارد مجانبی ^a	تقریب T^b	اهمیت تقریبی
۰/۹۵۲	۰/۰۱۴	۸۴/۹۰۲	۰/۰۰۰
۲۵۶			

a. بدون فرض فرضیه صفر

b. با استفاده از خطای استاندارد مجانبی با فرض فرضیه صفر

گام هفتم) ارائه یافته‌ها

در این مرحله براساس مطالعات پیشین و کدهای استخراج شده، مؤلفه‌های اصلی شناسایی شده قابل مشاهده است. درمجموع ۱۱ مقوله، ۴۶ مفهوم و ۲۵۶ کد به‌عنوان عوامل مؤثر بر جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه در این پژوهش کشف و مشخص شد. در جدول ۴ کدهای نهایی استخراج شده به همراه مفاهیم هر مقوله نشان داده می‌شود.

جدول ۴. کدهای نهایی استخراج شده به همراه مفاهیم

مقوله	ردیف	مفهوم	کد	منابع
بعد استراتژی‌های خطامشی‌گذاری	۱	ارزش نهادن به شهروندان	شفافیت داده‌ها و اطلاعات، شفافیت دولت و حاکمیت، شفافیت مسئله، تصمیمات و اقدامات، شفافیت الکترونیکی و پلتفرم‌های مشارکت، شفافیت و باز بودن محیط، شفافیت و وضوح نقش‌ها، وظایف و اختیارات (مردم، مجریان، احزاب و جناح‌ها)	Brady, Verba & Schlozman (1955), Levi & Litwin (1986), Rosenstone & Hansen (1993), Brynard (1996), Sinclair and Diduck (2001), Behn (2001), Masango (2001), OECD (2001), Cuthill (2002), Mostert (2003), Giacchino and Kakabadse (2003), Irvin & Stansbury (2004), Wong & Welch (2004), Macintosh (2004), Global Voices (2004), Armstrong (2005), Un-Habitat (2006), Bovens (2007), Brabham (2008), Botterman, Millard, Horlings, van Oranje, van Deelen & Pedersen (2008), Obama (2009), Bachen, Raphael, Lynn, Baldwin-Philippi & McKee (2010), Lee & Kwak (2011), Edelmann, Höchtel & Sachs (2012), Lee & Kwak (2012), Cobo (2012), Nam (2012), Aitamurto (2012), Weinstein and Goldstein (2012), Charalabidis, Loukis & Kleinfeld (2012), Pestoff (2012), Sowmya & Pyarali (2013), Accordino (2013), Panopoulou, Tambouris & Tarabanis (2014), Prpić PhD Taeihagh & Melton (2014), Lee & Kim (2014), Doyle (2015), Aitamurto & Landemore (2015), Marzuki (2015), Johansson (2016), Kiaei & Daneshfard (2016), McHugh et al (2016), van Eijk and Steen (2016), Ntalakou (2017), Liu (2017), Roszczynska-Kurasinska, Rychwalska & Marta (2017), Almeida, Costa & Da Silva (2018), Janssen & Helbig (2018), Wirtz, Weyerer & Rösch (2019), Stefano (2019), Bobbio (2019), Rodriguez Müller (2020), Uba Haruna, Mohd Nadzir & Awang (2021), Christensen (2021), Royo, Bellò, Torres & Downe (2023), Moon, Lee & Park (2023)
	۲	ویژگی‌های وظیفه	بزرگی وظیفه، پیچیدگی وظیفه	الوانی (۱۳۸۱)، هاشمی، همتی و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۸)، بابایی، حسینی و ثمودی (۱۳۹۵)، قره‌داغی (۱۳۹۷)، نصوحی، اعتباریان، پیکانی و ابراهیم‌زاده (۱۴۰۰)، بزرگی نژاد، معمارزاده و فقیهی (۱۴۰۰)، انگزی قدس، گیوریان و دانش فرد (۱۴۰۱)
	۳	موضوع مشارکت	آشکار بودن موضوع مشارکت، پیچیدگی موضوع مشارکت	
	۴	سازوکارهای مشارکت	محدوده مشارکت (چه چیزی قابل بحث است و چه چیزی نه؟)، روش‌های مشارکت، سطح مشارکت، اثربخشی و کارایی مشارکت، سازوکارها و سازوکارهای مناسب مشارکت، آشکار بودن و شفافیت اهداف مشارکت، پیچیدگی خطامشی، وجود چشم‌انداز و استراتژی مشخص	
	۵	درگیر کردن شهروندان	حق مشارکت، ضروری دانستن مشارکت توسط شهروندان، داشتن دلیلی برای مشارکت توسط شهروندان، باصرفه بودن مشارکت، اشتیاق و علاقه شهروندان به مشارکت، میزان برجستگی خدمات عمومی موجود و سهولت درگیر شدن در فرایند مشارکت	
	۶	فرایندهای مشارکت	تعهد به فرایند، وجود فرایندهای مشارکتی ساختاریافته، مدیریت فرایندها، تجزیه و تحلیل و نظارت بر فرایندها، توسعه فرایندهای مشارکتی، مشروعیت فرایندها، شفافیت فرایندها	
	۷	نقش مجریان	ارائه بی‌طرفانه مسائل خطامشی، نظرسنجی از مردم، درگیر کردن مراجع ذی‌ربط، اتخاذ رویکرد شهروند محوری، استفاده از تکنیک‌های درک و حل مسائل (طوفان فکری، تجسم و بازی و ...)	
	۸	نتایج مشارکت	شفافیت نتایج، تعهد به نتایج، نتایج قابل اندازه‌گیری، اجتناب از نتایج از پیش تعیین شده	

مقوله	ردیف	مفهوم	کد	منابع
فرآیند مشارکت	۹	اراده برای مشارکت	اراده رهبران سیاسی، اراده نهادهای مؤثر در مشارکت	Lisk (1988), Masango (2001), Giacchino and Kakabadse (2003), Lee, Riley & Hampton (2010), Wong, Mistilis & Dwyer (2011), Melitski, Carrizales, Manoharan & Holzer (2011), Datta, Shulman, Zheng, Lin, Sun & Lim (2011), Kim and Lee (2011), Charalabidis, Loukis & Kleinfeld (2012), Lee & Kim (2014), Molokwane (2018), Wirtz, Weyerer & Rösch (2019), Wang, Richards & Chen (2019) محسنی (۱۳۷۴)، کمیسیون بانوان وزارت کشور (۱۳۷۹)، بحرینی و امینی (۱۳۸۰)، دیان‌تی زاده (۱۳۸۲)، قره‌داغی (۱۳۹۷)، قربانی‌زاده، معتضدیان، حسین‌پور و رهبر (۱۴۰۰)، انگزی قدس، گیوریان و دانش‌فرد (۱۴۰۱)
	۱۰	شرایط و وضعیت سیاسی حاکم	زدویندهای سیاسی، منافع و انتظارات سیاسی، تنوع جناح‌های سیاسی، محدودیت‌های سیاسی، کارآمدی سیاسی، محل مسئولیت سیاسی، بلوغ فرهنگ سیاسی، وضعیت ثبات سیاسی و حاکم بودن صلح، جو سیاسی و نهادی مناسب، توسعه کمپین‌های سیاست الکترونیکی، ضمانت اجرا در سیاست‌ها، عدم وجود ضعف و مناسب بودن رویکرد اجرا، تغییر رژیم حکومتی، ویژگی‌های دولت محلی، مبارزه با فساد، حمایت دولت، تمرکز قدرت	
	۱۱	میزان باز بودن فضای سیاسی	آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، سمن‌ها (سازمان‌های مردم‌نهاد)، سندیکاهای کارگری، جامعه مدنی، انحصارگرایی، عضویت در سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های مردمی	
فرآیند مشارکت	۱۲	موارد انگیزشی	عدالت و انصاف اجتماعی، وضعیت اجتماعی شهروندان، ساختار قدرت و برابری اجتماعی، موقعیت اجتماعی	Pateman (1970), Johnson (1982), Levi & Litwin (1986), Lisk (1988), Gray (1989), Ostrom (1990), Scheer (1996), Putnam (2000), OECD (2001), Stone and Hughes (2001; 2002), Giacchino and Kakabadse (2003), Hong & Page (2004), Global Voices (2004), Surowiecki (2004), Irvin & Stansbury (2004), Amichai-Hamburger (2005), Un-Habitat (2006), Janse and Konijnendijk (2007), Sæbø, Rose & Flak (2008), G. S. Song (2009), Jamal & Stronza (2009), Saglie & Vabo (2009), Kim (2009), Burke, Marlow and Lento (2009), Rouse (2010), Hilgers & Ihl (2010), Lampathaki, Charalabidis, Passas, Osimo, Bicking, Wimmer & Askounis (2010), Toprak (2010), Bagheri & Asadollahi (2012), Kim (2012), Janssen, Charalabidis & Zuiderwijk (2012), Cobo (2012), Aitamurto (2012), Edelmann, Höchtl & Sachs (2012), Accordino (2013), Lee and Hong (2013), Song (2013), Ha and Kil (2013), Saxena & Janssen (2017), Sowmya & Pyarali (2013), Karamagioli, Staiou and Gouscos (2014), von Lucke & Große (2014), Belanche, Casaló, Flavián & Schepers (2014), Prpić PhD Taeihagh & Melton (2014), Scherer and Wimmer (2014), Wagner & Suh (2014), Bennett (2015), Creso Sa, Julieta Grieco (2015), Wirtz & Birkmeyer (2015), Johansson
	۱۳	سرمایه اجتماعی	وجود اعتماد (به نفس، به مردم، به دولت، به زیرساخت‌ها، فناوری‌ها و داده‌ها)، جنبش‌های اجتماعی قوی مردمی، وابستگی اجتماعی و متقابل بین اهداف، سرمایه اجتماعی، قدرت یکپارچگی مردم	
	۱۴	متغیرهای جمعیت شناختی	اندازه جمعیت، تنوع جمعیتی و قومیتی، همگنی و شباهت جامعه، توزیع سنی جمعیت، تنوع جنسیتی، نژاد، انسجام و یکپارچگی جمعیت، تغییرات و شکاف نسل‌ها، ویژگی‌های شخصیتی شهروندان، هنجارهای جمعیت، پراکندگی جغرافیایی، منطقه، محل و سابقه سکونت، خرد جمعی، وضعیت سلامت، وضعیت تأهل شهروندان	
	۱۵	ارتباطات و تعاملات	رویکرد و نحوه ارتباطات و تعامل بین گروه‌های مختلف، به اشتراک‌گذاری دانش، تجارب و منابع، جهت‌گیری تعاملی، تضمین کیفیت تعامل	

مقوله	ردیف	مفهوم	کد	منابع
				(2016), McHugh et al (2016), Aitamurto (2016), Janssen, Rana, Slade & Dwivedi (2017), Veenstra & Kotterink (2017), Roszczynska-Kurasinska, Rychwalska & Marta (2017), Androutsopoulou (2018), Janssen & Helbig (2018), Talukder, Shen, Talukder & Bao (2019), Fitriani, Hidayanto, Sandhyaduhita, Purwandari & Kosandi (2019), Bobbio (2019), Rodriguez Müller (2020), Christensen (2021), Uba Haruna, Mohd Nadzir & Awang (2021), Szafranska (2022), Moon, Lee & Park (2023) محسنی (۱۳۷۴)، استانداری گلستان (۱۳۷۴)، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری (۱۳۷۴)، مقنی‌زاده (۱۳۷۵)، عنبری (۱۳۷۷)، کلدی (۱۳۸۰)، نیازی (۱۳۸۰)، بیرو (۱۳۸۰)، ملک پور (۱۳۸۱)، دیانتی زاده (۱۳۸۲)، توسلی (۱۳۸۲)، مرکز آمار استرالیا (۱۳۸۴)، مشارکت فرهنگی در هلند (۱۳۸۴)، جابرانصاری، نجف بیگی و الوانی (۱۳۹۵)، مهرگان، فقیهی و میرسپاسی (۱۳۹۷)، قره‌داغی (۱۳۹۷)، قربانی‌زاده، معتمدیان، حسین‌پور و رهبر (۱۴۰۰)، نصوحی، اعتباریان، پیکانی و ابراهیم‌زاده (۱۴۰۰)، انگزی قدس، گیوریان و دانش فرد (۱۴۰۱)
عوامل اقتصادی	۱۶	چالش‌های اقتصادی	تحریم‌های اقتصادی، نرخ تورم، نرخ بیکاری	Putnam (2000), Masango (2001), OECD (2001), Kim (2009), Saglie & Vabo (2009), Kim (2012), Bagheri & Asadollahi (2012), Lee and Hong (2013), Ha and Kil (2013), Williams, Gulati and Yates (2013)
	۱۷	وضعیت معیشتی	میزان درآمد و نحوه توزیع آن در طبقات اجتماعی، میزان صادرات و واردات کالا و خدمات، درآمد ناخالص ملی، ارزش پول ملی، اشتغال ملی	عفتی (۱۳۷۱)، مقنی‌زاده (۱۳۷۵)، عنبری (۱۳۷۷)، نیازی (۱۳۸۰)، کلدی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسان هلندی (۱۳۸۴)، جابرانصاری، نجف بیگی و الوانی (۱۳۹۵)، قره‌داغی (۱۳۹۷)، قربانی‌زاده، معتمدیان، حسین‌پور و رهبر (۱۴۰۰)
	۱۸	روند و تغییرات اقتصادی	وضعیت اقتصادی، صرفه‌جویی اقتصادی، رشد اقتصادی، پیشینه اجتماعی، اقتصاد جمعیت، توسعه اقتصادی، پایگاه اجتماعی، اقتصاد (رتبه‌بندی افراد براساس میزان برخورداری از کیفیت‌های مطلوب)	
عوامل فرهنگی	۱۹	ارزش‌ها و باورها	تعهد شهروندان و افراد سیاسی، اعتقاد به ایجاد تفاوت از طریق مشارکت، احترام و تکریم افکار و نظرات دیگران	Levi & Litwin (1986), McMillan & Chavis (1986), Lisk (1988), Gray (1989), Rosenstone & Hansen (1993), Brynard (1996), Healey (1998), OECD (2001), Giacchino and Kakabadse (2003), Mostert (2003), Global Voices (2004), Un-Habitat (2006), Brabham (2008), Saglie & Vabo (2009), Kangas, Saarinen, Saarikoski, Leskinen, Hujala and Tikkanen (2010), Hilgers & Ihl (2010), Lampathaki, Charalabidis, Passas, Osimo, Bicking,
	۲۰	اطلاع‌رسانی، آگاهی و آموزش	آمادگی مجریان و شهروندان برای همکاری، آگاهی از باورها و ارزش‌های حاکم و توجه به آن‌ها، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی شهروندان، آگاهی از مسئولیت جمعی، آموزش شهروندان	

مقوله	ردیف	مفهوم	کد	منابع
	۲۱	فرهنگ ملی		Wimmer & Askounis (2010), Wong, Mistilis & Dwyer (2011), Bagheri & Asadollahi (2012), Klein (2012), Accordino (2013), Panopoulou, Tambouris & Tarabanis (2014), von Lucke & Große (2014), Lee & Kim (2014), Council, O. E. C. D. (2014), Al-Quraan & Abu-Shanab (2015), Bennett (2015), Castelnovo (2016), Kiaei & Daneshfard (2016), Johansson (2016), Roszczynska-Kurasinska, Rychwalska & Marta (2017), Almeida, Costa & Da Silva (2018), Janssen & Helbig (2018), Johansson, Sandström & Lundmark (2018), Uba Haruna, Mohd Nadzir & Awang (2021), Christensen (2021), Royo, Bellò, Torres & Downe (2023)
	۲۲	هماهنگی و پیوستگی		محسنی (۱۳۷۴)، نظری (۱۳۷۶)، رایت (۱۳۷۶)، نیازی (۱۳۸۰)، احمدی و الوانی (۱۳۹۴)، قره‌داغی (۱۳۹۷)، قربانی‌زاده، معتضدیان، حسین‌پور و رهبر (۱۴۰۰)، بزرگی نژاد، معمارزاده و فقیهی (۱۴۰۰)، انگزی قدس، گیوریان و دانش فرد (۱۴۰۱)
عامل حقوقی و قانونی	۲۳	نوع حکومت		OECD (2001), Masango (2001), Chadwick Rizzo & (2003), Macintosh (2004), Maria (2006), Saglie & Vabo (2005), Un-Habitat (2009), Gökmen (2009), Swartz (2010), Lampathaki, Charalabidis, Passas, Osimo, Bicking, Wimmer & Askounis (2010), Kim (2012), Bertot, Jaeger & Hansen (2012), Charalabidis, Loukis & Kleinfeld (2012), Lee and Hong (2013), Accordino (2013), Tarabanis & Panopoulou, Tambouris Kim (2014), Council, O. E. & (2014), Lee C. D (2014), Prpić PhD Taeihagh & Birkmeyer & Melton (2014), Wirtz (2015), Marzuki (2015), Aitamurto (2016), Castelnovo (2016), Veenstra & Kotterink (2017), Diamantopoulou, Charalabidis & Androutsopoulou, Gritzalis (2018), Uba Haruna, Mohd Nadzir & Awang (2021), Christensen (2021), Akili Downe & (2023), Royo, Bellò, Torres (2023), Moon, Lee & Park (2023)
	۲۴	آشنایی شهروندان با حقوق قانونی		امینیت داشتن زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، امنیت پلتفرم‌های مشارکت، حفاظت از امنیت ملی، حفظ امنیت داده‌ها، حفظ حریم خصوصی شهروندان، مشارکت شهروندان به صورت ناشناس
	۲۵	محیط قانونی		مذهب و ایدئولوژی افراد و حکومت، تفکیک قوا
	۲۶	حفظ امنیت		میزان ابتکارات مردمی، میزان اعتراضات مردمی، همه‌پرسی
				حاکمیت و الزامات قانونی و مقرراتی، وجود سازوکار تغییر قوانین، محدودیت‌های قانونی

مقوله	ردیف	مفهوم	کد	منابع
فرهنگ مدیریت	۲۷	تخصص و مهارت مجریان		Brady, Verba & Schlozman (1955), Pateman (1970), Lisk (1988), Scheer (1996), OECD (2001), Masango (2001), Behn (2001), Sinclair and Diduck (2001), Gensberg (2003), Giacchino and Kakabadse (2003), Global Voices (2004), OECD (2004), Hunsberger, Gibson and Wismer (2004), Surowiecki (2004), Wong & Welch (2004), Macintosh (2004), Irvin & Stansbury (2004), Kim, Lee and Han (2004), Armstrong (2005), Un-Habitat (2006), Janse and Konijnendijk (2007), Bovens (2007), Brand (2007), Obama (2009), Hilgers & Ihl (2010), Fung and Weil (2010), Toprak (2010), Lampathaki, Charalabidis, Passas, Osimo, Bicking, Wimmer & Askounis (2010), Field, Harvey & Strassberg (2010), Rouse (2010), Chesbrough, Vanhaverbeke, Bakici & Lopez-Vega (2011), Lorenz, Rauhut, Schweitzer & Helbing (2011), Hamari (2011), Reddick & Ganapati (2011), Melitski, Carrizales, Manoharan & Holzer (2011), Linders (2012), Cobo (2012), Janssen, Charalabidis & Zuiderwijk (2012), Weinstein and Goldstein (2012), Lee & Kwak (2012), Charalabidis, Loukis & Kleinfeld (2012), Aitamurto (2012), Sowmya & Pyarali (2013), Accordino (2013), Peixoto (2013), Czernek (2013), Bayus (2013), von Lucke & Große (2014), Parycek, Hochtl & Ginner (2014), Dulong & Janssen (2014), Lee & Kim (2014), Veit and Huntgeburth (2014), Panopoulou, Tambouris & Tarabanis (2014), Council, O. E. C. D (2014), Prpić PhD Taeihagh & Melton (2014), Janssen & Zuiderwijk (2014), Aitamurto, Landemore, Lee, and Goel (2014), Bennett (2015), Farihah & Wahyuni (2015), Doyle (2015), Wirtz & Birkmeyer (2015), Marzuki (2015), Fung (2015), Al-Quraan & Abu-Shanab (2015), Kiaei & Daneshfard (2016), Aitamurto (2016), McHugh et al (2016), Garcia-Molina, Joglekar, Marcus, Parameswaran & Verroios (2016), Choi & Tausczik (2017), Roszczynska-Kurasinska, Rychwalska & Marta (2017), Routzouni & Gritzalis (2018), Janssen & Helbig (2018), Luciano, Wiedenhöft & Santos (2018), Almeida, Costa & Da Silva (2018), de Deus Ferreira & Farias (2018), Molokwane (2018), Bobbio (2019), Stefano (2019), Talukder, Shen, Talukder & Bao (2019), Ruvalcaba-Gomez & Renteria (2020), Rodriguez Müller (2020), Christensen (2021), Szafranska (2022), Randma-Liiv & Lember (2022), Akili (2023), Moon, Lee & Park (2023), Royo, Bellò, Torres & Downe (2023)
	۲۸	شراکت راهبردی		مدیریت و دسترسی آزاد به اطلاعات و داده‌ها، داشتن استقلال و آزادی عمل شهروندان در انتخاب‌ها، درک و پاسخ‌گویی به نیازها، منافع و انتظارات شهروندان، مشورت مداوم با شرکت‌کنندگان، تفویض اختیار، ایجاد زبان مشترک
	۲۹	خلاقیت و نوآوری		مشوق‌ها، نوآوری در حکمرانی، متقاعدسازی شهروندان، تحریک/ راهنمایی شهروندان، میزان خلاقیت مدیران
	۳۰	عوامل رفتاری مجریان		تشویق شهروندان، داشتن انعطاف ذهنی و انعطاف‌پذیری در پذیرش ایده‌های نو، نوع و سبک رهبری، نگرش مدیران به اجرا، سازش متقابل مدیران
	۳۱	حوزه اجرایی		ارزیابی عملکرد حین فرایند، اطمینان از کفایت منابع مورد نیاز (زمان، مالی، فنی و انسانی)، برنامه‌ریزی مؤثر، وجود کمیته، ایجاد رادیو مستقل برای هر حزب یا گروه
	۳۲	جبران خدمات شهروندان		وجود سیستم پاداش، وجود سیستم بازخورد، جبران زمان و تلاش افراد

مقوله	ردیف	مفهوم	کد	منابع
مشارکت فرایندی				محسنی (۱۳۷۴)، نظری (۱۳۷۶)، عفتی (۱۳۸۰)، کلدی (۱۳۸۰)، الوانی (۱۳۸۱)، دیانتی زاده (۱۳۸۲)، هاشمی، همتی و اسماعیل‌زاده (۱۳۸۸)، احمدی و الوانی (۱۳۹۰)، بابایی، حسینی و ثمودی (۱۳۹۵)، قره‌داغی (۱۳۹۷)، نصوحی، اعتباریان، پیکانی و ابراهیم‌زاده (۱۴۰۰)، بزرگی نژاد، معمارزاده و فقیه‌هی (۱۴۰۰)، قربانی‌زاده، معتضدیان، حسین‌پور و رهبر (۱۴۰۰)، انگزی قدس، گیوریان و دانش فرد (۱۴۰۱)
	۳۳	انگیزه افراد		Johnson (1982), McMillan & Chavis (1986), Ghosh (1998), Masango (2001), Hars (2002), Giacchino and Kakabadse (2003), Hertel, Niedner & Hermann (2003), Innes (2004), Bonaccorsi & Rossi (2004), Un-Habitat (2006), Moore & Serva (2007), Janse and Konijnendijk (2007), Nov (2007), Peddibhotla & Subramani (2007), Rafaeli & Ariel (2008), Brabham (2009), Alford (2009), Kim (2009), Rouse (2010), Kangas, Saarinen, Saarikoski, Leskinen, Hujala and Tikkanen (2010), Field, Harvey & Strassberg (2010), Melitski, Carrizales, Manoharan & Holzer (2011), Kuk & Davies (2011), Datta, Shulman, Zheng, Lin, Sun & Lim (2011), Nam & Pardo (2011), Wong, Mistilis & Dwyer (2011), Bovaird & Löffler (2012), Nam (2012), Aitamurto (2012), Pestoff (2012), Edelmann, Höchtel & Sachs (2012), Kim (2012), Cobo (2012), Bagheri & Asadollahi (2012), Sowmya & Pyarali (2013), Ryoo (2013), Ha and Kil (2013), Crump McDonnell & Gureckis (2013), Martinez and Walton (2014), von Lucke & Große (2014), Choi (2014), Lee & Kim (2014), Al-Quraan & Abu-Shanab (2015), Marzuki (2015), Farihah & Wahyuni (2015), van Eijk and Steen (2016), McHugh et al (2016), Aitamurto (2016), Khayyat & Bannister (2017), Roszczynska-Kurasinska, Rychwalska & Marta (2017), Nichols (2017), Wirtz, Weyerer & Rösch (2018), Smith & Sandberg (2018), Janssen & Helbig (2018), Molokwane (2018), Purwanto, Zuiderwijk & Janssen (2018), Khurshid, Zakaria, Rashid & Shafique (2018), Stefano (2019), Fitriani, Hidayanto, Sandhyaduhita, Purwandari & Kosandi (2019), Jarke (2019), Wang, Richards & Chen (2019), Purwanto, Zuiderwijk & Janssen (2019), Ruvalcaba-Gomez & Renteria (2020), Szafranska (2022), Moon, Lee & Park (2023)
	۳۴	دانش، توانایی و تجربه شهروندان		میزان تحصیلات و سواد افراد (دیجیتالی و ...)، تنوع دانش و مهارت مشارکت‌کنندگان، تجربیات شهروندان، توانایی‌ها، شایستگی‌ها و مهارت‌های شهروندان برای مشارکت
	۳۵	نگرش		احساس و مشاهده تأثیرگذاری بر جامعه، احساس تعلق، احساس رضایت، احساس غرور ملی و وفاداری به آرمان‌های جمعی، احساس مالکیت شهروندان، احساس مسئولیت و مسئولیت‌پذیری، احساس وفاداری، احساس حقارت پایین فرد، احساس خودکنترلی، احساس تعاون، عدم وجود حس خودخواهی، احساس همدلی، احساس کنجکاوی، میزان حس نوع دوستی (کمک داوطلبانه به جوامع) شهروندان، ترجیحات شهروندان، ادراکات مردم، اراده مردم، چالش فکری، سازگاری، نگرش شهروندان، تعبیرات مختلف از خط‌مشی

مقوله	ردیف	مفهوم	کد	منابع
فناوری و تکنولوژی				(۱۳۸۲)، قره‌داغی (۱۳۹۷)، قربانی‌زاده، معتضدیان، حسین‌پور و رهبر (۱۴۰۰)، بزرگی نژاد، معمارزاده و فقیهی (۱۴۰۰)
	۳۶	ابزارهای آنلاین		John Dewey (1927), Putnam (2000), Kingston, Carver, Evans & Turton (2000), Behn (2001), Whitehead, quoted in Fountain (2001), Masango (2001), Mostert (2003), Giacchino and Kakabadse (2003), Wong & Welch (2004), Macintosh (2004), OECD (2004), Macintosh (2004), Armstrong (2005), Im (2006), Yun (2006), Bovens (2007), Moon and Yoon (2007), Torres (2007), Brabham (2008), Howe (2008), Smith (2008), Burke, Marlow & Lento (2009), Voinov & Bousquet (2010), Hilgers & Ihl (2010), Easley and Kleinberg (2010), Moreno & Traverso (2010), Yang and Lan (2010), Toprak (2010), Lampathaki, Charalabidis, Passas, Osimo, Bicking, Wimmer & Askounis (2010), Batorski and Hadden (2010), Datta, Shulman, Zheng, Lin, Sun & Lim (2011), Koliba, Zia & Lee (2011), Hwang (2011), Chesbrough, Vanhaverbeke, Bakici & Lopez-Vega (2011), Zheng, Zhang, Han, Zhou (2011), Demirhan & Öktem (2011), Melitski, Carrizales, Manoharan & Holzer (2011), Cobo (2012), Mercea & Loader (2012), Charalabidis, Triantafyllou, Karkaletsis & Loukis (2012), Linders (2012), Nam (2012), Klein (2012), Charalabidis, Loukis & Kleinfeld (2012), Aitamurto (2012), Mergel (2012), Weinstein and Goldstein (2012), Edelmann, Höchtel & Sachs (2012), Clark et al (2013), Aitamurto & Landemore (2013), Brabham (2013), Sowmya & Pyarali (2013), Accordino (2013), Gasco (2014), Veljković, Bogdanović-Dinić & Stoimenov (2014), Panopoulou, Tambouris & Tarabanis (2014), Prpić PhD Taeihagh & Melton (2014), Fung (2015), Landemore (2015), Bennett (2015), van Deursen and Helsper (2015), O'brien (2015), Wirtz & Birkmeyer (2015), Al-Quraan & Abu-Shanab (2015), Fugini and Teimourikia (2016), Loukis (2016), Gil-Garcia & Sayogo (2016), Kiaei & Daneshfard (2016), Castelnovo (2016), Nichols (2017), Liu (2017), Ntalakou (2017), Lutz and Hoffmann (2017), Roszczynska-Kurasinska, Rychwalska & Marta (2017), Lan, Ma, Zhu, Mangalagiu, Thornton, Lan (2017), Routzouni & Gritzalis (2018), Verdiesen, Dignum & Hoven (2018), Androutsopoulou (2018), Diamantopoulou, Androutsopoulou, Gritzalis & Charalabidis
	۳۷	عدالت در توزیع امکان‌های فناورانه		دسترسی به اینترنت، به کار بستن اینترنت اشیا، فیلترینگ، پُر کردن شکاف دیجیتال
	۳۸	استفاده از فناوری‌ها و میزان تأثیرگذاری آن‌ها		استفاده و میزان تأثیرگذاری رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی، بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات
	۳۹	زیرساخت و ساختار فناوری و محیط‌های کاربری		فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب و لازم، ساختار فناوری اطلاعات، ساده و کاربر پسند بودن پلتفرم‌ها، ابزارها و اشکال تعامل، سفارشی‌سازی/ شخصی‌سازی پلتفرم‌ها و ابزارها
	۴۰	سطح فناوری داخلی و میزان رشد و بروز بودن آن		میزان رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات، سطح فناوری داخلی نسبت به متوسط جهانی، تأثیر هوش مصنوعی بر روند مشارکت
	۴۱	قابلیت استفاده از تجارت الکترونیک و حاکمیت الکترونیک		روند و قابلیت استفاده از ابتکارات دولت و تجارت الکترونیک، حاکمیت الکترونیک

مقوله	ردیف	مفهوم	کد	منابع
				(2018), Janssen & Helbig (2018), Luciano, Wiedenhöft & Santos (2018), Wirtz, Disser and Binkuska (2018), Stefano (2019), Bobbio (2019), de Magalhães Santos (2019), Lember et al (2019), Talukder, Shen, Talukder & Bao (2019), Grazian and Nahr (2020), Ruvalcaba-Gomez & Renteria (2020), Rodriguez Müller (2020), Uba Haruna, Mohd Nadzir & Awang (2021), Christensen (2021), Uba Haruna, Mohd Nadzir & Awang (2021), Randma-Liiv & Lember (2022), Szafrńska (2022), Royo, Bellò, Torres & Downe (2023), Akili (2023), Moon, Lee & Park (2023), Adebayo, Patel & Summer (2023) عفتی (۱۳۷۱)، نظری (۱۳۷۶)، نیازی (۱۳۸۰)، دیانتی زاده (۱۳۸۲)، جابرانصاری، نجف بیگی و الوانی (۱۳۹۵)، قربانی‌زاده، معتضدیان، حسین‌پور و رهبر (۱۴۰۰)، نصوحی، اعتباریان، پیکانی و ابراهیم‌زاده (۱۴۰۰)
داده‌ها	۴۲	کیفیت داده‌ها	کیفیت داده‌ها، مرتبط بودن داده‌ها، کامل بودن داده‌ها، به موقع بودن داده‌ها، سهولت تأثیر بر داده‌ها	Mostert (2003), Surowiecki (2004), Global Voices (2004), Torres (2007), Aitamurto (2016), Smith, Ofe & Sandberg (2016), Veenstra & Kotterink (2017), Talukder, Shen, Talukder & Bao (2019), Faqir, Arroyo & Hassan (2020)
	۴۳	خدمات پشتیبانی	قابلیت پشتیبانی از سیستم و پلتفرم، قابلیت پشتیبانی از خدمات ارائه شده به کاربران، قابلیت پشتیبانی از مشورت با کیفیت	نظری (۱۳۷۶)، محمدی (۱۳۷۶)، دیانتی زاده (۱۳۸۲)، مرکز آمار استرالیا (۱۳۸۴)، قره‌داغی (۱۳۹۷)، بزرگی نژاد، معمارزاده و فقیهی (۱۴۰۰)
	۴۴	ساختاری	ساختار غیر متمرکز، ساختار منعطف، دستگاه‌های موازی، ساختار تیمی، ساختار هرمی، ساختار جامعه	
محیط	۴۵	جغرافیای طبیعی	آب و هوا، وسعت کشور، حوادث و پیش‌ران‌های محیطی	Cobo (2012) قره‌داغی (۱۳۹۷)، قربانی‌زاده، معتضدیان، حسین‌پور و رهبر (۱۴۰۰)، انگزی قدس، گیوریان و دانش فرد (۱۴۰۱)
	۴۶	محیط خارجی	تأثیر محیط بر خط‌مشی، مسائل غیرمترقبه، عوامل خارج سازمان، حمایت‌های محیطی	

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از داده‌های فراترکیب

مقوله استراتژی‌های خط‌مشی‌گذاری مشتمل بر ۸ مفهوم و ۴۰ کد، به انتخاب و طراحی روش‌ها، سازوکارها و فرایندهایی برای جلب مشارکت عمومی، اطمینان از شفافیت، ارزیابی نتایج و تعهد به نظرهای عمومی در تصمیم‌گیری‌ها اشاره دارد. موفقیت خط‌مشی‌ها به میزان زیادی بستگی به میزان شفافیت و وضوح در ارتباطات و فرایندها دارد. چارچوبی شفاف و منسجم برای طراحی و اجرای خط‌مشی‌ها و ایجاد بستری مناسب برای جلب اعتماد عمومی و درگیر کردن مردم در فرایند تصمیم‌گیری از اهمیت بسزایی برخوردار است. استراتژی‌های خط‌مشی‌گذاری به‌ویژه در جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه نقش حیاتی دارند و بر میزان اثربخشی، مقبولیت و پیگیری نتایج مشارکت تأثیر می‌گذارند.

عوامل سیاسی مشتمل بر ۳ مفهوم و ۲۵ کد، به مسائلی همچون توزیع قدرت، انتخابات، دموکراسی، روابط میان احزاب و نهادهای دولتی، اراده رهبران، ثبات سیاسی و سطح حمایت دولت، مبارزه با فساد و بلوغ فرهنگ سیاسی مرتبط می‌شود. عوامل ذکر شده می‌توانند تأثیرهای عمیقی بر فرایندهای جمع‌سپاری خط‌مشی و مشارکت عمومی داشته باشند. در یک نظام دموکراتیک، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی معمولاً از طریق انتخابات، نظرسنجی‌ها و مشورت‌های عمومی انجام می‌شود، در حالی که در یک نظام غیر دموکراتیک، این مشارکت ممکن است بسیار محدود و کنترل شده باشد. اختلاف‌های جناحی یا ضعف ثبات سیاسی ممکن است موانعی برای جمع‌سپاری ایجاد کند.

سرمایه اجتماعی، وجود اعتماد، عدالت اجتماعی، وابستگی متقابل بین اهداف، روابط فردی و جمعی و قدرت یکپارچگی مردم، همگی از ارکان عوامل اجتماعی هستند که این مقوله مشتمل است بر ۴ مفهوم و ۲۸ کد. در زمینه جمع‌سپاری خط‌مشی، عوامل اجتماعی می‌تواند بر میزان مشارکت عمومی، نحوه برقراری ارتباطات میان گروه‌ها و دولت، شکل‌دهی به نظرهای عمومی، قابلیت دسترسی به اطلاعات و منابع و تعاملات میان اقشار مختلف جامعه اثرگذار باشد. افراد از طبقات اجتماعی مختلف ممکن است تجربه‌ها و نگرش‌های متفاوتی نسبت به مشارکت در جمع‌سپاری داشته باشند. افرادی که به منابع و قدرت دسترسی دارند، احتمالاً بیشتر در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت خواهند کرد، در حالی که افراد آسیب‌پذیرتر ممکن است از این فرایندها کنار بمانند. در نهایت، توجه به عوامل اجتماعی می‌تواند باعث افزایش اثربخشی جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه شود، چرا که این عوامل به‌طور مستقیم بر انگیزه‌ها، رفتارها و مشارکت مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند.

مقوله عوامل اقتصادی مشتمل بر ۳ مفهوم و ۱۴ کد از دیگر مباحث مهم در جمع‌سپاری خط‌مشی است و به موضوعاتی چون درآمد، رفاه، توزیع منابع، اشتغال، سطح فقر، سیاست‌های مالی دولت، دسترسی به منابع مالی و اطلاعات و وضعیت کلی اقتصادی یک جامعه می‌پردازد. این عوامل نقش مهمی در توانایی‌ها و انگیزه‌های مردم برای مشارکت در فرایندهای جمع‌سپاری ایفا می‌کند. به‌طور کلی، شرایط اقتصادی خوب می‌تواند مشارکت عمومی را افزایش دهد، در حالی که شرایط اقتصادی ضعیف و نابرابری‌های اجتماعی می‌تواند این مشارکت را محدود کند. در جوامعی که سطح درآمد بالاتر است یا شکاف اقتصادی کمتری وجود دارد، احتمال مشارکت مردم در فرایندهای جمع‌سپاری بیشتر خواهد بود، زیرا افراد در این جوامع تمایل بیشتری به درگیر شدن در مسائل اجتماعی و سیاسی دارند. در نهایت، درک تأثیرات اقتصادی بر جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا فرایندهایی را طراحی کنند که در آنها همه اقشار جامعه قادر به مشارکت و تأثیرگذاری بر تصمیمات سیاسی باشند.

باورها و ارزش‌ها، تنوع فرهنگی، احترام به نظرهای دیگران، تقویت هویت ملی و ایجاد فرهنگ گفت‌وگو و تعامل، از جمله مفاهیم مربوط به عوامل فرهنگی است. این مقوله مشتمل است بر ۴ مفهوم و ۲۳ کد. ارزش‌ها، باورها و فرهنگ ملی برای ایجاد تعهد اجتماعی و تقویت حس مسئولیت‌پذیری بین مردم ضروری است و نقش مهمی در نحوه پذیرش و درک مردم از فرایندهای جمع‌سپاری دارد. در جوامع با فرهنگ‌های جمع‌گرا، افراد معمولاً تمایل بیشتری به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی دارند، زیرا این عمل را به‌عنوان یک وظیفه اجتماعی یا اقدامی برای بهبود وضعیت جامعه

می‌بینند. در مقابل، در جوامع با فرهنگ‌های فردگرا، ممکن است افراد نسبت به مشارکت عمومی بی‌تفاوت‌تر باشند، زیرا بیشتر بر منافع فردی خود تأکید دارند. در نتیجه، شناخت و درک عوامل فرهنگی، به طراحان و سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا فرایندهای جمع‌سپاری را به شیوه‌ای مؤثرتر طراحی و اجرا کنند.

مقوله عوامل حقوقی و قانونی مشتمل بر ۴ مفهوم و ۱۴ کد، اشاره به مفاهیمی همچون نوع حکومت، مذهب و ایدئولوژی، آشنایی شهروندان با حقوق قانونی، حاکمیت قانون، سازوکارهای تغییر قوانین و حفظ امنیت افراد دارد. نوع حکومت و ایدئولوژی حاکم، تعیین‌کننده میزان آزادی و مشارکت عمومی است و آگاهی شهروندان از حقوق قانونی، انگیزه و توانایی آن‌ها را برای مشارکت افزایش می‌دهد. وجود قوانین شفاف و الزام‌آور اعتماد عمومی را تقویت کرده و از بی‌عدالتی و تبعیض جلوگیری می‌کند. همچنین، سازوکارهای انعطاف‌پذیر برای اصلاح قوانین و حفاظت از حقوق مشارکت‌کنندگان، زمینه‌ای برای تشویق نوآوری و تسهیل تصمیم‌گیری‌های کلان فراهم می‌آورد. این عوامل در ایجاد بستری قانونی و شفاف برای مشارکت عمومی، تأثیر زیادی دارند و می‌توانند به‌طور مؤثر بر میزان و کیفیت مشارکت مردم در فرایندهای جمع‌سپاری خط‌مشی تأثیر بگذارند. در مجموع، با تضمین عدالت، شفافیت و امنیت، به تحقق موفقیت‌آمیز فرایندهای جمع‌سپاری و تقویت پیوند میان مردم و نهادهای حکومتی کمک می‌کند.

نقش مدیریت کارآمد، شفافیت و توانمندی مدیران در ارائه خط‌مشی‌ها و افزایش اثربخشی فرایندهای مدیریتی از جمله عوامل مدیریتی مؤثر بر جمع‌سپاری است و این مقوله مشتمل است بر ۶ مفهوم و ۳۰ کد. موفقیت جمع‌سپاری به میزان زیادی نیازمند مدیریت کارآمد و بی‌طرفانه است. مدیران باید توانایی داشته باشند که فرایندهای جمع‌سپاری را به‌طور مؤثر برنامه‌ریزی و اجرا کنند تا مشارکت عمومی را به حداکثر برسانند و خط‌مشی‌های عمومی به‌طور مؤثر و دموکراتیک شکل گیرند. مدیران باید اطمینان حاصل کنند که تیم‌ها به‌طور مستمر ارزیابی و نظارت می‌شوند تا در صورت نیاز فرایندها بهبود یابند. مسئولان جمع‌سپاری باید قادر باشند به‌طور مؤثر به سؤال‌ها و ابهام‌های مردم پاسخ دهند و از مهارت‌های ارتباطی خود برای تسهیل مشارکت عمومی استفاده کنند. نقش مدیران در تسهیل فرایند و ایجاد اعتماد حیاتی است. در نهایت، درک عوامل تأثیرگذار مدیریتی می‌تواند به بهبود فرایندهای جمع‌سپاری و جلب مشارکت عامه کمک کرده و تأثیر مثبتی بر موفقیت این فرایندها در شکل‌دهی به سیاست‌های عمومی و تصمیم‌گیری‌های مهم داشته باشد.

مقوله عوامل فردی مشتمل بر ۳ مفهوم و ۳۷ کد، شامل نگرش‌ها، دانش، توانمندی‌های فردی و انگیزه‌های فردی است که در مشارکت مؤثر دارد. افراد با سطح دانش و آگاهی بالاتر احتمال بیشتری برای مشارکت مؤثر نقش مهمی دارند. همچنین ویژگی‌های شخصیتی مانند تمایل به ریسک‌پذیری، گرایش به همکاری اجتماعی و توانایی دیدگاه‌سازی می‌تواند بر میزان مشارکت فردی در فرایندهای جمع‌سپاری تأثیرگذار باشد. به‌طور خاص، افراد با شخصیت‌های برون‌گرا و اجتماعی ممکن است تمایل بیشتری به مشارکت در این فرایندها داشته باشند، در حالی که افراد با شخصیت‌های درون‌گرا ممکن است کمتر مشارکت کنند. انگیزه‌های پولی و غیرپولی نیز می‌توانند محرک باشند. در نهایت، درک دقیق این عوامل می‌تواند به طراحان فرایندهای جمع‌سپاری کمک کند تا شیوه‌های بهتری برای جلب مشارکت عمومی ایجاد کنند و از پتانسیل تمامی افراد جامعه برای شکل‌دهی به سیاست‌ها و تصمیمات استفاده کنند.

استفاده از پلتفرم‌ها، ابزارهای دیجیتال و فناوری اطلاعات و رسانه‌های اجتماعی که نقش کلیدی در تسهیل و توسعه مشارکت دارند، از جمله عوامل فناوری و تکنولوژی هستند و این مقوله مشتمل است بر ۶ مفهوم و ۲۴ کد. استفاده از این فناوری‌ها می‌تواند فرایندهای جمع‌سپاری را تسهیل کند، میزان مشارکت عمومی را افزایش دهد، شفافیت را تقویت کند و فرایندهای تصمیم‌گیری را بهبود بخشد. استفاده از وبسایت‌ها و اپلیکیشن‌های مشارکتی آنلاین مانند نظرسنجی‌های دیجیتال و پلتفرم‌های جمع‌سپاری، به افراد این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به حضور فیزیکی در مکان خاصی، نظرها و پیشنهادهای خود را ارائه دهند. این ابزارها همچنین به کاهش محدودیت‌های زمانی و مکانی کمک می‌کنند و فرایند مشارکت را برای طیف وسیع‌تری از افراد فراهم می‌آورند. فناوری، ابزار کلیدی در اجرای موفق جمع‌سپاری است. قابلیت دسترسی، سادگی استفاده و امنیت این ابزارها نقش مهمی ایفا می‌کند. در نهایت، فناوری و تکنولوژی ابزارهایی هستند که با بهبود دسترسی، تسهیل ارتباطات و افزایش کارایی در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، می‌توانند موجب افزایش اثربخشی جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه شوند.

عوامل فنی مشتمل بر ۳ مفهوم و ۱۴ کد، به کیفیت و کامل بودن داده‌ها، ارائه به‌موقع اطلاعات، قابلیت پشتیبانی از سیستم‌ها و خدمات، ساختارهای غیرمتمرکز و منعطف و ساختاریافته اشاره دارد. کیفیت داده‌ها و اطلاعات جامع و دقیق نه تنها اعتماد مشارکت‌کنندگان را جلب می‌کند، بلکه آن‌ها را قادر می‌سازد تا نظرها و ایده‌های مؤثری ارائه دهند. ارائه اطلاعات به‌موقع تضمین می‌کند که فرایندهای تصمیم‌گیری به‌درستی و در بازه‌های زمانی مناسب انجام شوند. قابلیت پشتیبانی فنی از سیستم‌ها و خدمات ارائه‌شده به مشارکت‌کنندگان، یکی دیگر از عوامل ضروری است که عملکرد صحیح و بدون وقفه سیستم‌ها را تضمین می‌کند. ساختارهای غیرمتمرکز در سیستم‌های فنی امکان دسترسی گسترده‌تر و انعطاف‌پذیرتر را برای افراد فراهم می‌کند و احتمال تمرکز قدرت یا اطلاعات را کاهش می‌دهد. در نهایت، عوامل فنی به ایجاد یک بستر کارآمد، قابل‌اعتماد و منعطف کمک می‌کنند که نه تنها مشارکت عمومی را تشویق می‌کند، بلکه باعث افزایش کارایی، شفافیت و اثربخشی در فرایندهای جمع‌سپاری خط‌مشی می‌شود. این زیرساخت‌ها به‌عنوان پشتیبان اصلی فرایندهای مشارکتی عمل کرده و امکان اتخاذ تصمیم‌های بهتر و جامع‌تر را فراهم می‌آورند.

و در نهایت عوامل محیطی که این مقوله مشتمل بر ۲ مفهوم و ۷ کد است و به بررسی تأثیر شرایط جغرافیایی، اقلیمی و محیطی و بحران‌های جهانی بر جمع‌سپاری و سیاست‌گذاری می‌پردازد. محیط پیرامون می‌تواند بر نحوه مشارکت و دسترسی افراد به فرایندها، تصمیم‌گیری‌های عمومی، نیازهای مردم و شیوه‌های جمع‌سپاری در سیاست‌گذاری و مشارکت عمومی تأثیرگذار باشد. عواملی که از محیط خارجی نشئت می‌گیرند، می‌توانند زمینه‌های جدیدی را برای مشارکت عمومی ایجاد کرده یا در فرایند جمع‌سپاری تغییرات و چالش‌هایی به وجود آورند که به سیاست‌گذاران و نهادهای دولتی کمک می‌کنند تا تصمیم‌های بهتر و کارآمدتری اتخاذ کنند. در دوران پاندمی کرونا، بسیاری از دولت‌ها از پلتفرم‌های جمع‌سپاری برای جمع‌آوری پیشنهادهای و نظرات مردم در خصوص اقدامات بهداشتی، سیاست‌های قرنطینه و توزیع منابع استفاده کردند. این پلتفرم‌ها به مردم این امکان را دادند که در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند و دیدگاه‌های خود را درباره نحوه مقابله با بحران‌ها بیان کنند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعه حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر جمع‌سپاری خط‌مشی و جلب مشارکت عامه، با استفاده از روش فراترکیب انجام شد که منجر به شناسایی ۱۱ مقوله، ۴۶ مفهوم و ۲۵۶ کد شد. نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت در فرایند جمع‌سپاری، وابسته به تعامل پیچیده و چندجانبه‌ای بین عوامل استراتژی‌های خط‌مشی‌گذاری، عوامل سیاسی، عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل حقوقی و قانونی، عوامل مدیریتی، عوامل فردی، فناوری و تکنولوژی، عوامل فنی و عوامل محیطی است که به‌صورت تنگاتنگ با یکدیگر مرتبط هستند. ۱۱ مقوله شناسایی شده به همراه پیشنهادهای جهت بهبود را می‌توان به‌صورت زیر تشریح کرد:

برنامه‌ریزی و تدوین استراتژی‌های شفاف و مؤثر در خط‌مشی‌گذاری، پایه اصلی جمع‌سپاری موفق است. این مقوله شامل شفافیت اطلاعات، تعریف اهداف مشارکت، وضوح نقش‌ها و وظایف، ارائه فرایندهای قابل اجرا، توجه به نقش مجریان و تعهد به نتایج حاصله می‌شود. تعریف نقشه راه شفاف برای جمع‌سپاری که شامل مراحل اجرایی، شاخص‌های سنجش موفقیت و چارچوب‌های نظارتی باشد و ایجاد مدل‌های مشارکتی متنوع که بتواند گروه‌های مختلف (متخصصان، شهروندان، نهادهای مدنی) را در فرایند سیاست‌گذاری درگیر کند و همچنین در نظر گرفتن رویکردی پویا و تطبیقی که امکان اصلاح و به‌روزرسانی خط‌مشی‌ها را بر اساس بازخوردهای جدید فراهم کند، می‌تواند به جمع‌سپاری خط‌مشی کمک کند.

ثبات سیاسی، وجود اراده سیاسی، فضای باز سیاسی، مبارزه با زدوبندهای سیاسی و فساد و... از جمله عوامل کلیدی و مهم برای تشویق مشارکت عمومی هستند. اعتماد عمومی به دولت یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت جمع‌سپاری خط‌مشی است. برای تقویت این اعتماد، لازم است سامانه‌های شفافیت و نظارت عمومی توسعه یابند تا اطلاعات خط‌مشی‌گذاری و روندهای تصمیم‌گیری به‌صورت آزاد و قابل دسترس برای عموم قرار گیرند. علاوه‌براین، پیش‌بینی‌پذیری در سیاست‌گذاری باید افزایش یابد تا تغییرات ناگهانی در قوانین و مقررات، مشارکت شهروندان را تحت تأثیر منفی قرار ندهد. اجرای سیاست‌های ضدفساد از طریق تقویت سازوکارهای حسابرسی مستقل، افزایش آزادی رسانه‌ها و الزام به پاسخ‌گویی نهادهای دولتی نیز از اقدامات ضروری در این راستا است.

سرمایه اجتماعی، اعتماد بین مردم و دولت و انسجام اجتماعی نقش مهمی در میزان مشارکت عمومی دارد. ایجاد سامانه‌های شفاف اطلاعاتی برای دسترسی آزاد شهروندان به تصمیمات و اقدامات دولت، ایجاد و تقویت شبکه‌های ارتباطی و پلتفرم‌های دیجیتال مشارکتی با محوریت تعامل مستمر بین دولت و شهروندان، استفاده از ابزارهای نظرسنجی آنلاین، برگزاری جلسه‌های گفت‌وگو و مشورت عمومی و ارائه بازخورد منظم به شهروندان از طریق کانال‌های ارتباطی، تدوین سازوکارهای نظارت مردمی که شهروندان بتوانند بر عملکرد نهادها نظارت کرده و بازخورد ارائه دهند و همچنین اجرای پروژه‌های گزارش‌دهی عمومی که نشان دهد سیاست‌ها و تصمیم‌های دولت چگونه بر زندگی مردم تأثیر گذاشته است، در راستای تقویت سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی و در نهایت مشارکت افراد در خط‌مشی‌گذاری می‌تواند کمک‌کننده باشد.

نرخ تورم و بیکاری، توزیع درآمد و وضعیت اقتصادی جامعه از جمله عوامل مهم و اثرگذار بر مشارکت افراد در فرایند جمع‌سپاری است. طراحی سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر رویکردهای بازتوزیعی و حمایت‌های مالی جهت کاهش شکاف طبقاتی، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و فراهم آوردن مشوق‌های مالی و غیرمالی برای مشارکت‌کنندگان در فرایندهای جمع‌سپاری پیشنهاد می‌شود. علاوه بر این، استفاده از مدل‌های اقتصاد رفتاری و تحلیل‌های داده محور برای شناسایی الگوهای مشارکت در شرایط اقتصادی متغیر، می‌تواند به تدوین سیاست‌های دقیق‌تر و کارآمدتر منجر شود.

باورها و ارزش‌های فرهنگی مانند احترام به نظرهای دیگران و ایجاد حس تفاوت مثبت از طریق مشارکت و فرهنگ جمعی یک جامعه نقش کلیدی در پذیرش و مشارکت در جمع‌سپاری دارند. برگزاری برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های فرهنگی جهت ترویج فرهنگ گفت‌وگوی مدنی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همراه با استفاده از رسانه‌های جمعی و ابزارهای دیجیتال برای تقویت گفتمان مشارکت‌محور پیشنهاد می‌شود. همچنین، توسعه پروژه‌های فرهنگی تحول‌آفرین که در آن ارزش‌های مشترک، احترام به تنوع و هویت ملی تقویت شده و به شیوه‌های نوین آموزشی منتقل شود، می‌تواند پایه‌های فرهنگی مشارکت را مستحکم‌تر کند.

وجود قوانین شفاف و حمایتی برای مشارکت عمومی و کاهش محدودیت‌های قانونی و حفظ امنیت می‌تواند فرایند جمع‌سپاری را تسهیل کند. بازنگری و اصلاح قوانین و مقررات مرتبط با مشارکت عمومی، به منظور حذف محدودیت‌های قانونی و ایجاد چارچوب‌های حمایتی جدید برای تضمین حقوق شهروندان پیشنهاد می‌شود. تدوین مقررات جامع حفاظت از داده‌ها، تعیین دقیق مسئولیت‌های حقوقی در فرایند جمع‌سپاری و ایجاد سازوکارهای قانونی برای کنترل سوءاستفاده‌ها، از اقدامات ضروری در این حوزه به‌شمار می‌آیند.

شایستگی و تخصص مدیران و مجریان در هدایت و نظارت بر فرایند جمع‌سپاری بسیار حیاتی است. ضعف در مدیریت می‌تواند منجر به ناکارآمدی فرایندها شود. توجه به مشوق‌ها، وجود سیستم جبران خدمت برای شهروندان و مشورت مداوم با آنان نیز تأثیر مثبتی خواهد داشت. ایجاد سیستم‌های مدیریت مشارکتی مبتنی بر داده و شفافیت، توسعه برنامه‌های آموزشی مستمر برای مدیران و مجریان جهت به‌روز نگه‌داشتن مهارت‌های مدیریتی، راه‌اندازی سیستم‌های رتبه‌بندی و ارزیابی عملکرد مدیران برای تضمین شایستگی و اثربخشی در هدایت فرایندها و ایجاد بانک اطلاعاتی از مدیران و متخصصان توانمند که در فرایندهای جمع‌سپاری مشارکت دارند، پیشنهاد می‌شود. همچنین تشکیل تیم‌های تخصصی میان‌بخشی جهت راهبری پروژه‌های جمع‌سپاری، توسعه سازوکارهای نظارتی داخلی و تخصیص منابع مالی و انسانی کافی از جمله اقدامات کلیدی در بهبود کارایی مدیریتی است و نیازمند توجه بیشتر است.

سطح سواد و مهارت شهروندان، میزان انگیزه، نگرش و اعتماد به نفس افراد در میزان مشارکت آن‌ها اهمیت بسزایی دارد. افراد آگاه و با انگیزه تمایل بیشتری به مشارکت نشان می‌دهند. در این زمینه پیشنهادات به شرح زیر بیان می‌شود: اجرای برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی شهروندان برای افزایش آگاهی و مهارت‌های مشارکتی، برنامه‌ریزی جهت انجام اقداماتی برای بالابردن میزان انگیزه افراد جهت مشارکت (ارائه مشوق‌های غیرمالی) و تقویت حس تعلق و اثرگذاری بر شهروندان، توسعه فرصت‌های داوطلبانه و مسئولیت‌های اجتماعی که افراد بتوانند تأثیر مشارکت خود را

مستقیماً مشاهده کنند، طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها برای آشنایی هر چه بیشتر دانش‌آموزان و دانشجویان با اصول مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری مدنی و نمایش تأثیر مشارکت شهروندان از طریق گزارش‌های عمومی و شفاف‌سازی نتایج تصمیمات جمعی.

فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات مانند پلتفرم‌های مشارکتی و کانال‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی از جمله ابزارهای کلیدی و مهم در جمع‌سپاری هستند. نبود زیرساخت‌های مناسب یا دسترسی محدود به فناوری می‌تواند مانعی برای مشارکت باشد. توسعه زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌منظور کاهش شکاف دیجیتال و فراهم آوردن دسترسی همگانی به اینترنت پُرسرعت پیشنهاد می‌شود. طراحی پلتفرم‌های مشارکتی کاربرپسند با استفاده از فناوری‌های نوین مانند بلاک‌چین برای تضمین شفافیت و امنیت داده‌ها و بهره‌گیری از ابزارهای تحلیل داده‌های عظیم و هوش مصنوعی جهت بهبود روند تصمیم‌گیری‌های جمع‌سپاری، از الزامات این حوزه محسوب می‌شوند.

کیفیت داده‌های به اشتراک گذاشته شده و قابلیت پشتیبانی از خدمات ارائه شده نقش مهمی در جذب و حفظ مشارکت‌کنندگان دارد. فرایندهای پیچیده و ناکارآمد می‌توانند کاربران را دلسرد کنند. بهبود کیفیت داده‌های به اشتراک گذاشته شده از طریق استانداردسازی فرایندهای جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و ایجاد سازوکارهای پشتیبانی فنی مستمر برای کاربران پیشنهاد می‌شود. استفاده از فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی و یادگیری ماشین برای تحلیل دقیق الگوهای مشارکت و فراهم آوردن سیستم‌های راهنمای آنلاین و پاسخ‌گویی سریع به سؤال‌های کاربران، به‌عنوان ابزارهای فنی جهت تسهیل فرایند جمع‌سپاری پیشنهاد می‌شود.

شرایط جغرافیایی، حمایت‌های محیطی و مدیریت عوامل غیرمترقبه می‌تواند بر موفقیت جمع‌سپاری تأثیرگذار باشد. محیط‌هایی با ثبات و حمایت‌کننده مشارکت بیشتری را ممکن می‌سازند. تدوین سیاست‌های محیطی منسجم که شرایط جغرافیایی و شرایط بومی هر منطقه را در نظر داشته باشد. ایجاد زیرساخت‌های ارتباطی پایدار، توسعه برنامه‌های حمایتی برای جوامع محلی و طراحی طرح‌های جمع‌سپاری ویژه در شرایط بحران‌های محیطی (مانند بلایای طبیعی) با استفاده از سیستم‌های پشتیبانی بلادرنگ و انعطاف‌پذیر، از جمله راه‌کارهایی است که می‌تواند مشارکت عمومی را حتی در شرایط نامساعد محیطی تضمین کند.

منابع

- ابراهیمی کیاسری، حمیدرضا؛ الوانی، سید مهدی و معمارزاده تهران، غلامرضا (۱۴۰۲). ارزیابی ترکیبی از عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌های نظام آموزشی و پرورشی ایران. *مدیریت دولتی*، ۱۵(۲)، ۲۳۰-۲۵۷.
- دانایی‌فرد، حسن؛ شکری، زینب؛ فانی، علی‌اصغر و فروزنده، لطف‌الله (۱۳۹۵). ارائه الگوی عوامل تأثیرگذار بر ارزشیابی کیفیت خط‌مشی‌های عمومی ایران. *فصلنامه مدیریت نظامی*، ۱۶(۶۴)، ۴۲-۶۶.
- رودساز، حبیب؛ قربانی‌زاده، وجه‌اله؛ شادمهری، نیکتا و سید موسوی، سیدحسن (۱۳۹۷). تبیین الگوی بومی توسعه مشارکت الکترونیک در سیاست‌گذاری ایران. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۴(۲)، ۸۱-۱۰۴.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۴). شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی. *فصلنامه تأمین اجتماعی*، ۱(۱۱)، ۹-۲۳.

- فلاح تفتی، حامد؛ رحیمی، حسین و هاشم‌پور، سحر (۱۳۹۸). شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های موفقیت جمع‌سپاری مالی در پروژه‌های مشارکت اجتماعی. *راهبرد مدیریت مالی*، ۷ (۲۶)، ۱۰۹-۱۳۴.
- فلاح تفتی، حامد؛ زحمتکش سردوراهی، مهدیه و گورنگی، بهاره (۱۳۹۹). عوامل کلیدی موفقیت جمع‌سپاری در توسعه توانمندی‌های مقصد گردشگری (مورد مطالعه: شهر یزد). *فصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری*، ۸ (۱۵)، ۱۴۵-۱۷۰.
- قربانی‌زاده، وجه‌اله؛ شریف‌زاده، فتاح و معتضدیان، رسول (۱۳۹۴). تحلیل مسائل اجرای خط‌مشی‌های اداری. *مطالعات مدیریت راهبردی*، ۶ (۲۴)، ۶۷-۹۵.
- محمدزاده، علی؛ پیران نژاد؛ علی و مختاریان‌پور، مجید (۱۴۰۰). واکاوی مفهوم مشارکت شهروندی: به‌سوی سامان‌دهی نظری. *مدیریت دولتی*، ۱۳ (۳)، ۴۷۸-۵۰۵.
- مقیم، سیدمحمد؛ پورعزت، علی اصغر؛ لطیفی، میثم و ابراهیمی، امید (۱۴۰۰). ارائه مدلی جامع از مشارکت خبرگان و تشکلهای مردم‌نهاد در مدیریت عملکرد بخش عمومی. *مدیریت دولتی*، ۱۳ (۱)، ۳-۲۸.
- موسوی، م. (۱۳۸۴). *مشارکت اجتماعی و توسعه پایدار*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهماندوست، حدیث؛ رضایی‌فر، حمید؛ محمدی، محمد و یعقوبی، نورمحمد (۱۴۰۲). طراحی مدل اقناع عمومی در بستر حکمرانی خوب شهری. *مدیریت دولتی*، ۱۵ (۳)، ۶۱۵-۶۳۶.
- میرباقری، سیدمحسن و جلیلی، سید مصطفی (۱۴۰۲). روندنگاری تحقیقات در حوزه حکمرانی مشارکتی: ترسیم نقشه هم‌زمانی و هم‌رخدادی واژگان. *مدیریت دولتی*، ۱۵ (۴)، ۷۸۲-۸۰۶.
- نرگسیان، عباس؛ هژبرافکن خلاری، حسن و معینی کرکندی، محمدرضا (۱۳۹۴). مطالعه تأثیر رسانه‌های اجتماعی آنلاین بر شفافیت و اعتماد عمومی با اثر میانجیگری مشارکت عمومی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران). *مدیریت دولتی*، ۷ (۳)، ۶۳۷-۶۵۶.
- نصوحی، مرتضی؛ اعتباریان، اکبر؛ هادی پیکانی، مهربان و ابراهیم‌زاده، رضا (۱۴۰۰). طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری باز. *خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت*، ۱۲ (۱)، ۱۷۹-۱۹۴.

References

- Adorsu-Djentuh, F. Y. (2018). *Implementation of Environmental Sanitation Policies: Assessing the Role of Local Actors in Ghana*. The University of Manchester (United Kingdom).
- Aitamurto, T. (2012). Crowdsourcing for democracy: A new era in policy-making. *Crowdsourcing for Democracy: A New Era in Policy-Making*. Publications of the Committee for the Future, *Parliament of Finland*, 1.
- Aitamurto, T. & Chen, K. (2017). The value of crowdsourcing in public policymaking: Epistemic, democratic and economic value. *The theory and practice of legislation*, 5(1), 55-72.

- Amini, M., Zolfagharzadeh, M. M. & Majid Motaharinezhad, V. (2021). Presenting a Model of Crowdsourcing Cultural Policies with a Forward-Looking Approach. *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education (TURCOMAT)*, 12(1), 904-912.
- Bench, S; & Day, T. (2010). The user experience of critical care discharge: a meta-synthesis of qualitative research. *International journal of nursing studies*, 47(4), 487-499.
- Bessette, J. (1994). *The Mild Voice of Reason: Deliberative Democracy and American National Government*. University of Chicago Press.
- Bohman, J. & Rehg, W. (Eds.). (1997). *Deliberative democracy: Essays on reason and politics*. MIT press.
- Brabham, D. C. (2012). Motivations for participation in a crowdsourcing application to improve public engagement in transit planning. *Journal of Applied Communication Research*, 40(3), 307-328.
- Brabham, D.C. (2009). Crowdsourcing the public participation process for planning projects. *Planning Theory*, 8(3), 242-262.
- Bridgman, P. & Davis, G. (2004). *The Australian policy handbook*. Allen & Unwin.
- Certoma, C., Corsini, F. & Rizzi, F. (2015). Crowdsourcing urban sustainability. Data, people and technologies in participatory governance. *Futures*, 74, 93-106.
- Charalabidis, Y., Triantafillou, A., Karkaletsis, V. & Loukis, E. (2012). Public policy formulation through non moderated crowdsourcing in social media. In *Electronic Participation: 4th IFIP WG 8.5 International Conference*, ePart 2012, Kristiansand, Norway, September 3-5, 2012. Proceedings 4 (pp. 156-169). Springer Berlin Heidelberg.
- Clark, B. Y., Zingale, N. & Logan, J. (2017). Intelligence and information gathering through deliberative crowdsourcing. *Journal of Public and Nonprofit Affairs*, 3(1), 55-78.
- Cohen, J. (1989). The economic basis of deliberative democracy. *Social philosophy and policy*, 6(2), 25-50.
- Collm, A. & Schedler, K. (2012). Managing crowd innovation in public administration. *International Public Management Review*, 13(2), 1-18.
- Danayi-Fard, H., Shokri, Z., Fani, A.A. & Forouzandeh, L. (2016). A model for the factors influencing the evaluation of public policy quality in Iran. *Quarterly Journal of Military Management*, 16(64), 42-66. (in Persian)
- Diamond, L. (2011). The democratic recession!: before and after the financial crisis. *New Ideas in Development after the Financial Crisis*, 240-249.
- Ebrahimi Kiasari, H., Alvani, S.M. & Memarzadeh Tehran, Gh. (2023). Designing Public Participation Model in Iranian Educational Policies. *Strategic Studies of public policy*, 13(46). (in Persian)
- Fallah Tafti, H., Rahimi, H. & Hashem Pour, S. (2019). Identifying and analyzing the success factors of crowdfunding in social participation projects. *Financial Management Strategy*, 7(26), 109-134. (in Persian)

- Fallah Tafti, H., Zahmatkesh Sardorahi, M. & Gorangi, B. (2020). Key success factors of crowdfunding in the development of tourism destination capabilities (Case study: Yazd city). *Tourism Social Studies Quarterly*, 8(15), 145-170. (in Persian)
- Fishkin, J. (2011). *When the People Speak. Deliberative Democracy and Public Consultation* (Oxford: Oxford University Press).
- Gassmann, O., Daiber, M. & Muhdi, L. (2010). Der Crowdsourcing-Prozess. *Crowdsourcing-Innovationsmanagement mit Schwarmintelligenz*, 21-44.
- Ghorbanizadeh, V., Sharifzadeh, F. & Mo'tazedian, R. (2015). Analysis of issues in the implementation of administrative policies. *Strategic Management Studies*, 6(24), 67-95. (in Persian)
- Gupta, P., Rouffy-Ly, B., Rohrer-Herold, K., Koch, K., Rao, N., Poulussen, C. & Rajan, D. (2023). Assessing the interactions of people and policy-makers in social participation for health: an inventory of participatory governance measures from a rapid systematic literature review. *International Journal for Equity in Health*, 22(1), 240.
- Hazlehurst, D. (2001). *Networks and policy making: From theory to practice in Australian social policy* [MSc. thesis]. Canberra: The Australian National University. <https://catalogue.nla.gov.au/Record/1466806>
- Hilgers, D. & Ihl, C. (2010). Citizensourcing: Applying the concept of open innovation to the public sector. *The International Journal of Public Participation*, 4(1), 67-88.
- Ianniello, M., Iacuzzi, S., Fedele, P. & Brusati, L. (2019). Obstacles and solutions on the ladder of citizen participation: A systematic review. *Public Management Review*, 21(1), 21-46. [DOI:10.1080/14719037.2018.1438499]
- Jenkins, W. I. (1978). *Policy analysis: A political and organisational perspective*. (No Title).
- Malhotra, P. (2019). Building trust to create crowdsourcing acceptance.
- Mehmandoost, H., Rezaeifar, H., Mohammadi, M. & Yaqoubi, N. (2023). Designing Public Persuasion Model in the Context of a Good Urban Governance. *Journal of Public Administration*, 15(3), 615- 636. (in Persian)
- Mirbagheri, S.M. & Jalili, S.M. (2023). Research Trends in the Field of Participatory Governance: Drawing a Map of Co-occurrence and Co-word Analysis. *Journal of Public Administration*, 15(4), 782-806. (in Persian)
- Moghipi, S.M., Pourezzat, A.A., Latifi, M. & Ebrahimi, O. (2021). Explaining the status of participation of experts and NGO's in Iran's public sector performance management. *Journal of Public Administration*, 13(1), 3-28. (in Persian)
- Mohammadzadeh, A., Pirannejad, A. & Mokhtarianpour, M. (2021). Analysis of the Concept of Citizen Participation: Towards Theoretical Organizing. *Journal of Public Administration*, 13(3), 478-505. (in Persian)
- Mousavi, M. (2005). Social participation and sustainable development. *Tehran: University of Tehran Press*. (in Persian)
- Nabatchi, T. & Amsler, L. B. (2014). Direct public engagement in local government. *The American Review of Public Administration*, 44(4), 63S-88S.

- Nargesian, A., Hezhbarafkan Khalari, H. & Moeini Korkabandi, M. (2015). A study on the impact of online social media on transparency and public trust with the mediating effect of public participation (Case study: University of Tehran students). *Public Administration Management*, 7(3), 637-656. (in Persian)
- Nosoohi, M., Etebarian, A., Hadi Peykani, M. & Ebrahimzadeh, R. (2021). Designing an open policymaking model. *Public Policy in Management*, 12(1), 179-194. (in Persian)
- Prpić, J., Taeihagh, A. and Melton, J. (2015) The fundamentals of policy crowdsourcing. *Policy and Internet*, 7(3), 340–361, <http://dx.doi.org/10.1002/poi3.102>.
- Roodsaz, H., Ghorbanizadeh, V. A., Shadmehr, N. & Seyed Mousavi, S. H. (2018). Defining the indigenous model of e-participation development in Iranian policymaking. *Public Policy*, 4(2), 81–104. doi:10.22059/ppolicy.2018.67870. (in Persian)
- Saetren, H. (2005). Facts and myths about research on public policy implementation: Out-of-Fashion, allegedly dead, but still very much alive and relevant. *Policy Studies Journal*, 33(4), 559-582.
- Sandelowski, M. & Barros, J. (2007). *Handbook for synthesizing qualitative research*, Springer publishing company Inc; Springer publishing company, New York.
- Schnell, S. (2020). Vision, voice, and technology: Is there a global “open government” trend?. *Administration & Society*, 52(10), 1593-1620.
- Schwartz, D. (2018). Embedded in the crowd: Creative freelancers, crowdsourced work, and occupational community. *Work and Occupations*, 45(3), 247-282.
- Seltzer, E. & Mahmoudi, D. (2013). Citizen participation, open innovation, and crowdsourcing: Challenges and opportunities for planning. *Journal of Planning Literature*, 28(1), 3–18.
- Shiyani, M. (2005). Citizenship and participation in the comprehensive welfare and social security system. *Social Security Quarterly*, 1(11), 9-23. (in Persian)
- Sowmya, J. & Pyarali, H. S. (2013). The Effective use of Crowdsourcing in e-Governance.
- Tong, A., Sainsbury, P. & Craig, J. (2007). Consolidated criteria for reporting qualitative research (COREQ): a 32-item checklist for interviews and focus groups. *International journal for quality in health care*, 19(6), 349-357.
- Vasiljeva, J. (2021). *Inventory methods applicable for crowdsourcing*.
- Yang, Y., Dong, C., Yao, X., Lee, P. K. & Cheng, T. C. E. (2021). Improving the effectiveness of social media-based crowdsourcing innovations: roles of assurance mechanism and innovator's behaviour. *Industrial Management & Data Systems*, 121(2), 478-497.
- Zambrano, R. & Eymann, S. (2014). Crowdsourcing and human development: The role of governments. In *Proceedings of the 8th International Conference on Theory and Practice of Electronic Governance* (pp. 170-177).